

پیام دوگانه ترامپ
گزارش نشست نتانیاهو و ترامپپیوند فرسوده
رابطه یک طرفه مردم و سیاستمداراندو وزیر دولت رئیسی در راه زندان
خبرهای جدید سخنگوی قوه قضائیهسالروز ولادت حضرت امام محمد تقی (ع) تهنیت باد
سالروز ولادت حضرت علی (ع) و روز پدر تهنیت باد
شماره بعدی روزنامه یکشنبه چهاردهم دی منتشر می شود

نوزایش دوم

مناظره محمد قوچانی و میثم مهدیار
درباره سیدجواد طباطبایی

فرهنگ

یادداشت روز

صاحبان ردیف بودجه

نیازمند اصلاح عملکردی بودجه هستیم



روح الله اسلامی

دانشیار علوم سیاسی
دانشگاه فردوسی مشهد

مالیه عمومی، در ذات خود، یک علم است؛ دانشی درباره چگونگی تأمین و تخصیص منابع محدود برای تحقق منافع عمومی. اما تجربه تاریخی ایران نشان می دهد که این علم بیش از آنکه بر منطق اقتصادی و عقلانیت نهادی استوار باشد، در اغلب دوره ها در خدمت سیاست، ایدئولوژی و مناسبات قدرت قرار گرفته است. نتیجه، نه دولت کارآمد که دولت حجیم، پرهزینه و کم اثر بوده است. در سنت قدیم، مالیه عمومی در قالب مستوفی گری و خط سباق، دانشی محرمانه، رمزی و ارثی بود؛ دانشی که نه شفافیت می شناخت و نه پاسخگویی. مالیات، نه ابزار حکمرانی خوب بلکه ابزار بقای حکومت بود. همین ساختار، یکی از دلایل اصلی طرح مطالبه «مالیه عمومی مدرن» در جنبش مشروطیت شد. مشروطه خواهان به درستی دریافته بودند که بدون نظم مالی حکومت قانون ممکن نیست. مطالبه آنان روشن بود: دخل و خرج دولت باید مشخص باشد؛ حقوق دربار و اشراف باید قاعده مند شود؛ مالیات ها باید روال مند، قابل پیش بینی و عادلانه باشند؛ بودجه باید به تصویب پارلمان برسد و تابع قانون باشد؛ و نهایتاً، تراز دخل و خرج برقرار شود. اما یک قرن پس از آن مطالبات، مسئله مالیه عمومی نه تنها حل نشده بلکه پیچیده تر هم شده است. امروز دیگر فقط با «ردیف های بودجه ای» مواجه نیستیم؛ با صاحبان ردیف روبه رو هستیم. نهادها به ظاهر برای حل مسئله شکل می گیرند اما به تدریج خود به مسئله تبدیل می شوند. مشروعیت نهادی، نه از کارآمدی بلکه از تثبیت یک ردیف در بودجه حاصل می شود. در چنین وضعیتی، بودجه نه ابزار سیاست گذاری بلکه صحنه لابی گری است. بخش عمده منابع صرف هزینه های جاری می شود؛ دولت به جای آنکه دولت رفاه باشد به «دولت خیریه» بدل شده است. دولتی که نه توان تولید ثروت دارد و نه قدرت سیاست گذاری مؤثر اما بزرگ، پرکارمند و پرهزینه است. مالیات ها عمدتاً برای پرداخت حقوق مصرف می شوند و دولت به عنوان «نهاد نهادها»، خود به بزرگترین معضل اقتصاد سیاسی کشور تبدیل می شود. افزون بر این، اتکای تاریخی به پول نفت و تأثیر ایدئولوژی های دولت محور و سوسیالیستی، دولت مداخله گر و تصدی گر را تقویت کرده است؛ دولتی که در بسیاری موارد، بودجه را نه به عنوان امانت عمومی بلکه به مثابه منبع توزیع رانت مصرف می کند. شرکت های دولتی ورشکسته، صندوق های بازنشستگی ناتراز، ردیف های غیر کاربردی و مردم آزار همگی نشانه های یک بحران ساختاری هستند نه خطاهای مقطعی. راه برون رفت، نه در حذف صوری ردیف ها بلکه در اصلاح اقتصاد سیاسی مالیه عمومی است. اصل بنیادین این اصلاح، تفکیک روشن میان «وظایف حاکمیتی» و «حوزه های اجتماعی» است. قانون گذاری، امنیت، قضاوت، سیاست خارجی، دفاع و دیپلماسی، وظایف ذاتی حکومت اند. اما آموزش، پژوهش، سلامت، رفاه، محیط زیست و بسیاری از خدمات اجتماعی بیش از آنکه نیازمند تصدی گری دولت باشند محتاج سیاست گذاری، تنظیم گری و مشارکت جامعه هستند. رهبری بارها بر اصلاح ساختار بودجه، کاهش وابستگی به نفت، شفافیت و بودجهریزی عملکردمحور تأکید کرده اند. با این حال باید گفت که سیاست های کلان هنوز به طراحی نهادی منسجم، اجرای عملیاتی و نظام ارزیابی اثربخش منتهی نشده اند. بدون شفافیت، بدون پاسخگویی و بدون سیاست زدایی از مالیه عمومی، هیچ اصلاحی پایدار نخواهد بود. مالیه عمومی، روح حکومت قانون و مشروطیت است. اگر روح بیمار باشد، هیچ نهادی نخواهد توانست کارآمد عمل کند. اصلاح بودجه، نه یک پروژه فنی کوتاه مدت بلکه یک انتخاب بزرگ در اقتصاد سیاسی ایران است: انتخاب میان دولت بزرگ پرهزینه و دولت محدود کارآمد.

رئیس جمهور به وزیر کشور دستور داد:

دیدار با معترضان

مسعود پزشکیان با جمعی از رؤسای اصناف، اتحادیه ها و اعضای هیات امنای بازار گفت و گو کرد
چهار تصمیم دولت برای حمایت از بازار: ۱) تعلیق اجرای الزامات سامانه مؤدیان مالیاتی
برای اصناف ۲) توقف اعمال مالیات بر ارزش افزوده برای اصناف ۳) تعلیق جرایم مالیاتی
اصناف و بازاریان ۴) توقف الزامات جدید در درگاه ملی مجوزها برای اصناف و بازاریان



عاطفه شمس

گروه سیاسی



دولت چهاردهم در واکنشی دوجبهی به تجمعات اخیر، مسیر گفت و گوی مستقیم با معترضان و حل ریشه های مشکلات را در پیش گرفته است. این رویکرد که با دستور مستقیم رئیس جمهور به وزیر کشور برای مذاکره با نمایندگان معترضان کلید خورد با نشست فوری او با فعالان صنفی و بازاریان و اتخاذ چهار تصمیم مهم دولت و مجلس برای حمایت از بازار و فعالان اقتصادی همچنین تأکید سخنگوی دولت بر به رسمیت شناختن حق اعتراض، جنبه عملی و رسمی به خود گرفت. این اقدامات در حالی انجام می شود که طی روزهای اخیر تجمعاتی محدود در بازار تهران و برخی دانشگاه ها به دلیل فشارهای معیشتی و اقتصادی شکل گرفته و دولت تلاش دارد با این رویکرد تعاملی، پاسخی مسئولانه به مطالبات بر حق مردم ارائه دهد.

ادامه در صفحه ۲

دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی
مازندرانآگهی مناقصه ۳۸/م/۱۴۰۴
دانشگاه علوم پزشکی و
خدمات بهداشتی در مانی مازندران

کانال سازندگی

در نامه‌ای به رئیس مجلس مطرح شد

موافقت پزشکيان با اصلاحات ۵گانه بودجه

رئیس‌جمهور در نامه‌ای به رئیس مجلس شورای اسلامی از موافقت خود با اصلاحات ۵ گانه معیشتی و اقتصادی در لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ خبر داد و تأکید کرد که این اصلاحات با رعایت ملاحظات تورمی و سقف بودجه انجام خواهد شد. پزشکيان روز گذشته با ارسال نامه‌ای به محمداقبر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی تصریح کرد: پیرو مذاکرات به‌عمل آمده و با توجه به جلسات و گفت‌وگوهای صورت گرفته در کمیسیون تلفیق بودجه سال ۱۴۰۵ و از آنجا که نمایندگان محترم نظرات و پیشنهادات و دغدغه‌هایی را مطرح کردند که دولت با بسیاری از این پیشنهادات و نظرات موافق است، بدین‌وسیله مراتب موافقت خود را با تعامل و انجام اصلاحات بسا رعایت ملاحظات تورمی و سقف بودجه بدین شرح اعلام می‌دارم:

- اصلاحاتی که منجر به افزایش حقوق و مزایای کارکنان دولت و بازنشستگان عزیز شود.
- اصلاح و اعمال نرخ مؤثر مالیاتی به‌طوری که منجر به بهبود فضای کسب‌وکار شود.
- اصلاح در نرخ معافیت مالیاتی برای اشخاص حقیقی و حقوقی با در نظر داشتن لزوم تقویت معافیت‌های حقوق‌بگیران دولت که در سطوح درآمدی پایین هستند.
- انجام اصلاحات در افزایش نرخ مالیات بر ارزش افزوده به‌طوری که این منابع به سمت تأمین کالابرگ برای اقشار آسیب‌پذیر جامعه سوق داده شود.
- هرگونه اصلاحاتی که منجر به افزایش یارانه برای تأمین کالابرگ و تقویت معیشت مردم شود.

ضمناً با توجه به اینکه کمیسیون محترم تلفیق خواهان تطبیق لایحه بودجه با احکام قانون برنامه همچنین اطلاعات کافی در مورد منابع و مصارف نفتی شده بود، سازمان برنامه و بودجه کشور و وزارت نفت، گزارشات مورد نیاز مجلس محترم را تدوین و تقدیم خواهند کرد.

احتمال جدایی سنایی از دولت

سخنگوی دولت روز گذشته با تأیید اصل ارائه استعفای مهدی سنایی، مشاور سیاسی رئیس‌جمهوری گفت: از اینکه استعفا مورد پذیرش قرار گرفته یا نه خبر ندارم. فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت در نشست خبری خود با اصحاب رسانه، درباره استعفای مهدی سنایی، مشاور سیاسی رئیس‌جمهوری، بیان کرد: لزوماً وقتی افراد استعفا می‌کنند به‌معنای بالاگرفتن اختلافات نیست و ممکن است افراد با هم تفاوت نظر کارشناسی داشته باشند. افراد باید تا زمانی در جایی بمانند که حس خودشان این باشد کاری که برایش آیدمدانند را انجام می‌دهند؛ بنابراین اصل این موضوع را رد نمی‌کنم. سخنگوی دولت با بیان اینکه این استعفا از قبل ارائه شده بود اما مورد پذیرش قرار نگرفته بود، گفت: اکنون نیز از اینکه این استعفا مورد قبول قرار گرفته شده، خبر ندارم. دولت بر استفاده از ظرفیت همه افراد تأکید دارد و با شناختی که از آقای سنایی دارم، اگر هم این استعفا مورد پذیرش قرار گیرد پس از خروج از دولت نیز به ما کمک خواهند کرد.

مخالفان همتی دست به کار شدند

نمایندگان مجلس شورای اسلامی طی نامه‌ای به رئیس‌جمهور خواستار به کار نگرفتن همتی به‌عنوان رئیس جدید بانک مرکزی شدند. به گزارش خبرنگاری فارس، روز گذشته در حاشیه صحن علنی مجلس، نمایندگان مجلس شورای اسلامی طی نامه‌ای به رئیس‌جمهور خواستار به‌کار نگرفتن عبدالناصر همتی به‌عنوان رئیس جدید بانک مرکزی شده‌اند. یک نماینده امضاکننده این نامه به خبرنگار خبرنگاری فارس گفت که در همان دقایق اولیه این نامه به امضای بیش از ۱۰۰ نماینده رسیده است. همچنین خبرنگار فارس در خصوص این نامه از عباس پای‌زاده، عضو هیات رئیسه مجلس شورای اسلامی نیز سوال کرد که او هم در تأیید این نامه گفت: نمایندگان مجلس حدوداً ۱۰ ماه پیش به دلیل اعتماد نداشتن به همتی، وی را استیضاح و عزل کردند. وی افزود: انتصاب مجدد وی در این پست حساس بی‌معنی است. این در حالی است که به باور تحلیلگران، بازگشت همتی احتمالاً به‌معنای شروع دوباره درگیری او با جبهه پایداری است. کسانی که قبلاً مانع اصلاح قیمت ارز توسط همتی شده بودند، باعث سود سرشار مافیایی ارز شده‌اند و مافیایی که از فاصله قیمت ارز دولتی و آزاد سود می‌برد، درحالی که مردم عادی نگران و گرفتار هستند.

ادامه تیتیر یک

دیدار با معترضان

دستور رئیس‌جمهور برای گفت‌وگو با معترضان

در روزهای گذشته اعتراضاتی در بخش‌هایی از بازار تهران شکل گرفت که ریشه اصلی آن به فشارهای معیشتی، تورم بالا، مالیات، سامانه‌های متعدد اقتصادی و کاهش قدرت خرید برمی‌گشت. کسبه و بازاریان معترض می‌گفتند در شرایطی که رکود، افزایش هزینه‌ها و ناترازی‌های اقتصادی ادامه دارد، الزامات مالیاتی و سامانه‌ای جدید، فشار مضاعفی بر فعالیت‌های صنفی وارد کرده است. این اعتراضات واکنش سریع دولت را در پی داشت و رئیس‌جمهور، هم در فضای مجازی و هم در عمل بر مسیر گفت‌وگو و شنیدن مطالبات معترضان تأکید کرد.

پزشکيان در واکنش به این فضا، شامگاه دوشنبه در اقدامی مستقیم و معنادار به وزیر کشور مأموریت داد تا مسیر گفت‌وگو با نمایندگان معترضان را باز کند. او در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «معیشت مردم، دغدغه هر روز من است. اقدامات اساسی برای اصلاح نظام پولی و بانکی و حفظ قدرت خرید مردم در دستورکار داریم». رئیس‌جمهور تصریح کرد: «به وزیر کشور مأموریت دادم از مسیر گفت‌وگو با نمایندگان معترضان، مطالبات بر حق آنها را بشنود تا دولت با تمام توان برای رفع مشکلات و پاسخگویی مسئولانه عمل کند». دستوری که نشان‌دهنده تغییر رویکرد در مواجهه با اعتراضات و حرکت به سمت تعامل و حل مسئله است.

نشست رئیس‌جمهور با فعالان اصناف و بازاریان

در ادامه همین رویکرد، صبح دیروز، رئیس‌جمهور در نشستی صریح، بی‌واسطه و صمیمی با جمعی از رؤسای اصناف، اتحادیه‌ها، اتاق‌های بازرگانی و اعضای هیات امنای بازار شرکت کرد. در این نشست که عبدالناصر همتی، رئیس کل بانک مرکزی نیز در آن حضور داشت، پزشکيان ضمن شنیدن مشکلات، دغدغه‌ها و پیشنهادات فعالان بازار به پرسش‌های آنان پاسخ گفت.

رئیس‌جمهور با تأکید بر نقش تعیین‌کننده اصناف در اقتصاد کشور، اعتراضات آنها را «قابل درک» دانست و تصریح کرد: «حل مشکلات اصناف و بازاریان را وظیفه خود می‌دانیم. اعتراضات شما قابل درک است اما باید توجه داشت که دولت چهاردهم وارث مشکلات انباشته سال‌های گذشته است. بسا این حال با تمام توان و از مسیر تعامل و وحدت با مجلس شورای اسلامی به‌دنبال حل مسائل هستیم». پزشکيان با اشاره به مطالبه جدی رهبر معظم انقلاب اسلامی در خصوص حل مشکلات اقتصادی، افزود: «در واری همه اختلاف‌نظرها همه ما مکلف به پیگیری مطالبات اقتصادی جامعه هستیم و دولت و مجلس در این مسیر هم‌نظر و هم‌جهت‌اند». او همچنین بر آمادگی خود برای شنیدن بی‌واسطه صدای بازاریان تأکید کرد و گفت: «همواره آماده حضور در بازار و گفت‌وگو با فعالان اقتصادی به‌ویژه جوانان و نسل جدید فعال در بازار هستیم تا هم مسائل آنان را بشنویم و هم برنامه‌ها و شرایط کشور را صادقانه تبیین کنیم».

پزشکيان با بیان اینکه رویکرد دولت، «مداخلات حداقلی» در بازار است، تأکید کرد که هر جارانت، رشوه و نظام چندترخی ارز به اقتصاد آسیب بزند، دولت با جدیت ورود خواهد کرد و این پدیده‌ها را از میان برخواهد داشت. وی تأکید کرد: «طبیعی است که مقابله با رانت، با اعتراض رانت‌خواران همراه باشد اما منافع مردم و بازاریان در اولویت است. ما در این مسئولیت قرار گرفته‌ایم تا مشکلات کسبه، بازاریان و مردم را حل کنیم و شأنیتی جز خدمت برای خود قائل نیستیم و مطمئن باشید که همه خواسته‌ها و پیشنهادهای مطرح‌شده با جدیت پیگیری خواهد شد». او در پاسخ به گلایه‌ها درباره تعدد سامانه‌های اقتصادی از برنامه دولت برای ایجاد یک «اکوسیستم جامع» و تجمیع سامانه‌ها خبر داد. پزشکيان همچنین خاطر نشان کرد که مسائل نظارتی غیرمرتبط با فعالیت اصناف در تعامل و هماهنگی با قوه قضائیه مرتفع خواهد شد.

چهار تصمیم مهم دولت و مجلس برای حمایت از بازار

در این نشست، مسائل مهم دیگری نیز مورد بحث قرار گرفت؛ ازجمله هزینه برق اصناف که مقرر شد تا سقف مصرف عرف با قیمت دولتی محاسبه شود و اقدامات دولت برای حل ناترازی ۲۰ هزار مگاواتی برق کشور از طریق توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر. اما مهم‌ترین خروجی این نشست اعلام خبر توافق دولت و مجلس بر سر ۴ تصمیم مهم برای حمایت از بازار و فعالان اقتصادی بود که هر کدام

به مدت یک سال اجرا خواهند شد:

- تعلیق اجرای الزامات سامانه مؤدیان مالیاتی برای اصناف
- توقف اعمال مالیات بر ارزش افزوده برای اصناف
- تعلیق جرایم مالیاتی اصناف و بازاریان
- توقف الزامات جدید در درگاه ملی مجوزها برای اصناف و بازاریان

همچنین پزشکيان با پیشنهاد تشکیل «ستاد پیگیری مشکلات اصناف و بازاریان» موافقت کرد و مقرر شد نمایندگان اصناف با حضور در جلسه هیات دولت، مسائل و ابهامات خود را به‌صورت مستقیم مطرح کنند. همچنین برگزاری جلسات منظم و مستمر وزارتخانه‌های اقتصادی بسا فعالان بازار مورد تأکید قرار گرفت و مقرر شد، نتایج این جلسات به‌صورت ماهانه به دولت گزارش شود.

در همین راستا، سیدعلی مدنی‌زاده، وزیر امور اقتصادی و دارایی نیز عصر دیروز از سه تصمیم کلیدی این وزارتخانه با تأیید سران سه قوه برای تسهیل امور مالیاتی فعالان اقتصادی کشور خبر داد که براساس آن، رسید دستگاه‌های کارتخوان بانکی (پوز) به‌عنوان صورتحساب الکترونیکی برای تمامی فعالان اقتصادی که کالا و خدمات خود را با نرخ یکسان عرضه می‌کنند مورد پذیرش قرار خواهد گرفت. فراخوان عمومی همه صاحبان مشاغل برای اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده نیز که طبق قانون قرار بود تا پایان سال جاری انجام شود، مورد تجدیدنظر قرار گرفت و مقرر شد، اجرای این قانون به‌صورت تدریجی و بسا اولویت فعالان بزرگ و کلان اقتصادی انجام شود. همچنین اختیار بخشودگی صدرصدی جرایم مربوط به عدم صدور صورتحساب الکترونیکی که طبق قانون قرار بود از پایان سال جاری از سازمان امور مالیاتی کشور سلب شود به مدت یک سال دیگر به این سازمان تفویض شد.

دولت اعتراضات را به رسمیت می‌شناسد

همزمان با این اقدامات، فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت نیز در نشست خبری خود با اشاره به دستور رئیس‌جمهور برای گفت‌وگو با معترضان اعلام کرد: «دولت اعتراضات را به رسمیت می‌شناسد و تأکید می‌کنیم به حق تجمع مسالمت‌آمیزی که در قانون اساسی ما به رسمیت شناخته شده است. وقتی صدای مردم درمی‌آید، یعنی فشارها سنگین بوده و کار دولت این است که صداها را بشنود و به فهم مشترک برای حل مسائل موجود در جامعه کمک کند». مهاجرانی با اشاره مستقیم به فشارهای اقتصادی افزود: «بدیهی است که تورم بالای ۵۰ درصد صدای مردم را درمی‌آورد. پدران و مادران این روزها سخت‌درگیر معیشت هستند. دولت حتماً باید حرف‌ها را بشنود؛ فریاد ناشی از درد است. اعتراضات و تگنها را می‌بینیم».

او رویکرد دولت را «درمان» خواند و گفت: «تمام تلاش دولت در حفظ قدرت خرید مردم و کنترل تورم است. اصولاً در تورم پولدارها، پولدارتر و فقیرها، فقیرتر می‌شوند». مهاجرانی همچنین افزود: «وظیفه ما شنیدن صدای مردم است و حتماً اصلاحات ساختاری انجام خواهد شد».

روایت فارس از تجمعات روز گذشته در تهران

همزمان با تداوم برخی فراخوان‌ها در فضای مجازی، روز گذشته نیز تجمعاتی محدود در نقاطی از تهران شکل گرفت. در روزهای قبل و پیش از این اعتراضات دانشجویی، بازاریان و اصناف نیز در نقاط کلیدی تهران مانند پاساژ علاءالدین، چهارسو و بازار بزرگ در واکنش به وخامت شرایط اقتصادی



دست به تجمع زده بودند. اعتراضاتی که عمدتاً در پاسخ به افزایش بی‌سابقه نرخ ارز و طلا، تورم افسارگسیخته و کاهش شدید قدرت خرید مردم شکل گرفته بود.

خبرگزاری فارس روز گذشته در گزارشی میدانی از تجمعات دانشگاهی نوشت: امروز در چند دانشگاه تهران ازجمله دانشگاه صنعتی شریف، دانشگاه تهران، دانشگاه امیرکبیر، دانشگاه علم و فرهنگ و دانشگاه علم و صنعت، تجمع‌هایی با حضور چند ده تا چند صد نفر برگزار شد. همچنین در بازار آهن تهران نیز تعدادی از کسبه تجمع محدودی داشتند. به گزارش فارس در دانشگاه صنعتی شریف، حدود ۳۰۰ نفر با سر دادن شعار «نه غزه نه لبنان، جانم فدای ایران» تجمع کردند. تجمع دانشگاه تهران نیز با حضور ۵۰ نفر مقابل کتابخانه مرکزی آغاز شد و با حرکت در محوطه دانشگاه به حدود ۳۰۰ نفر رسید اما تلاش‌ها برای جذب دانشجویان بیشتر نتیجه‌ای نداشت. در دانشگاه امیرکبیر هم حدود ۲۰۰ نفر از دانشجویان که قصد حرکت به سمت خیابان انقلاب را داشتند با ممانعت سایر دانشجویان مواجه شدند. در دانشگاه علم و فرهنگ حدود ۱۰۰ نفر با سر دادن شعارهایی ازجمله «مرگ بر دیکتاتور» حضور یافتند. در دانشگاه علم و صنعت نیز تجمعی با حضور حدود ۱۰۰ نفر گزارش شد. براساس این گزارش در سطح شهر نیز تعدادی از کسبه در بازار آهن تجمع محدودی برگزار کردند که مورد توجه گسترده قرار نگرفت. براساس روایت فارس، این تجمعات بسا وجود فراخوان‌های گسترده رسانه‌های ضدانقلاب، محدود و کم‌جمعیت بوده و تلاش سازمان‌دهندگان برای گسترش اعتراضات با بی‌تفاوتی بدنه دانشجویی و عموم مردم مواجه شد و خیابان‌های شهر آرام گزارش شدند. فارس افزود که شبکه‌های معاند با انتشار تصاویر قدیمی کوشیدند تا تصویری غیرواقعی از گستردگی اعتراضات به نمایش بگذارند. این در حالی است که روز گذشته یک مقام امنیتی کشور هشدار داده بود که جریان‌های ضدانقلاب با استفاده از هسته‌های آموزش‌دیده قصد دارند اعتراضات مدنی را به سمت اغتشاش و بی‌ثباتی سوق دهند تا پروژه امنیت‌زدایی دشمنان را عملی کنند.

بازسازی اعتماد با شنیدن و پاسخگویی

رویکرد دولت چهاردهم در مواجهه با تجمعات اخیر اما نشان‌دهنده یک انتخاب استراتژیک است؛ ترکیبی از اقتدار در برابر سوءاستفاده از اعتراضات مدنی و تعامل حداکثری برای شنیدن و پاسخگویی به مطالبات برحق مردم. دستور رئیس‌جمهور برای گفت‌وگو با معترضان، نشست مستقیم با اصناف و اعلام حمایت‌های فوری اقتصادی همگی گام‌هایی عملی برای اثبات این رویکرد هستند. درحالی که روایت‌های رسانه‌ای بر جنبه‌های امنیتی و تقابلی تمرکز داشتند، دولت با این اقدامات نشان داد که مسیر خود را بر پایه «شنیدن صدای مردم» و «حل مسئله» بنا کرده است. اقداماتی که فراتر از یک واکنش کوتاه‌مدت، تلاشی برای بازسازی اعتماد و پاسخگویی به مطالباتی است که ریشه در مشکلات اقتصادی دارد. به‌عبارت دیگر، اقدامات حمایتی از اصناف و بازاریان و تأکید صریح بر به رسمیت شناختن حق اعتراض و ارائه راه‌حل‌های ملموس، گام‌های اولیه دولت برای بازسازی اعتماد و پاسخگویی مسئولانه در برابر مشکلات انباشته اقتصادی و اجتماعی کشور است. این رویکرد همچنین نشان می‌دهد که دولت مسیر خود را در شنیدن و پاسخ دادن به صدای مردم جست‌وجوی می‌کند.

کار من نبود

ژلنسکی بمباران اقامتگاه پوتین را تکذیب کرد

گروه بین الملل: در میانه مذاکرات صلح اوکراین در فلوریدای آمریکا جدال لفظی تازه‌ای میان مسکو و کی‌یف شکل گرفته است. ولودیمیر ژلنسکی، رئیس‌جمهوری اوکراین، ادعای روسیه مبنی بر حمله پهبادی به یکی از اقامتگاه‌های ولادیمیر پوتین را رد کرده و آن را تلاش کرملین برای بر هم زدن مسیر گفت‌وگوها دانست. به گفته او «این ماجرای تازه فقط ادامه همان روایت‌های ساختگی است که روسیه برای توجیه جنگ به‌کار می‌برد».

ماجرا از زمانی شدت گرفت که سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه، اعلام کرد کی‌یف شبانه با ۹۱ پهپاد دوربرد به اقامتگاه دولتی پوتین در منطقه نووگورود حمله کرده است. به‌دنبال این ادعا، کرملین خبر داد که در پی حادثه، موضع خود در مذاکرات صلح را «بازنگری» خواهد کرد؛ موضوعی که بلافاصله نگرانی‌ها در باره شکننده بودن این گفت‌وگوها را افزایش داد.

دیمیتری پسکوف، سخنگوی ریاست‌جمهوری روسیه، منتقدان روایت مسکو را به «نادیده گرفتن واقعیت» متهم کرد و اظهارات ژلنسکی و رسانه‌های غربی را «واقعاً احمقانه» خواند. او در پاسخ به پرسشی درباره احتمال انتشار عمومی شواهد گفت: «وقتی چنین حمله‌ای در این مقیاس رخ می‌دهد، روشن است که با کار هماهنگ پدافند هوایی، بخش زیادی از پهپادها سرنگون می‌شود؛ طبیعی است

که شواهدی باقی نماند». هنوز مشخص نیست، پوتین هنگام این حمله ادعایی در کجا حضور داشته است.

در مقابل، ژلنسکی این ماجرا را «دروغ‌های معمول روسیه» توصیف و تأکید کرد، کرملین در پی آن است که با ایجاد فضای تهدید، زمینه ادامه حملات علیه اوکراین را فراهم کند. او در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «جهان نباید سکوت کند. نباید اجازه دهیم روسیه تلاش‌ها برای صلح پایدار را نابود کند».

لاوروف در بیانیه‌ای دیگر گفت که تمام پهپادها توسط پدافند روسیه منهدم شده و هیچ تلفات یا خسارتی گزارش نشده است. او افزود: «با توجه به انحطاط نهایی رژیم جنایتکار کی‌یف که به سیاست تروریسم دولتی روی آورده، موضع ما در مذاکرات بازنگری خواهد شد». دیمیتری مدودف، معاون رئیس شورای امنیت روسیه حتی پا را فراتر گذاشت و در پیامی در شبکه ایکس نوشت: «ژلنسکی تلاش دارد، روند حل‌وفصل مناقشه را به شکست بکشاند. او جنگ می‌خواهد و از این پس مجبور است تا پایان عمر خود پنهان شود». این اتهامات در شرایطی مطرح می‌شود که پس از دیدار ژلنسکی با دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا، امیدها برای گشایش در مسیر صلح افزایش یافته بود. برخی تحلیلگران معتقدند هر رخداد امنیتی در این مقطع می‌تواند، بهانه‌ای برای سخت‌تر شدن مواضع طرف‌ها و کند

دیپلماسی

پیام دوگانه ترامپ

در جلسه نتانیاهو و ترامپ چه گذشت؟



ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

در واپسین روزهای سال ۲۰۲۵ اقامتگاه مجلس مارنه‌لاگو در فلوریدا، بار دیگر صحنه نمایشی بود که قرار بود، پیام روشنی به جهان مخابره کند: واشنگتن و تل‌آویو همچنان قصد ندارند مسیر قدرت‌نمایی در خاورمیانه را ترک کنند. دیدار دونالد ترامپ و بنیامین نتانیاهو، پنجمین سفر نخست‌وزیر اسرائیل به آمریکا، از زمان بازگشت ترامپ به قدرت، در ظاهر تکرار همان زبان همیشگی تعریف و تمجید بود اما در بطن خود، حامل نشانه‌هایی از یک راهبرد تهاجمی‌تر و حساب‌شده‌تر علیه مخالفان منطقه‌ای به‌ویژه ایران بود. نتانیاهو با وعده اعطای «بازیزه اسرائیل» به ترامپ و معرفی او به‌عنوان بهترین دوست اسرائیل کوشید پیام قدردانی نمادینی بفرستد؛ پیامی که آشکارا می‌خواست نقش ترامپ را نه یک میانجی بلکه معمار نظم مطلوب تل‌آویو جا بزند. ترامپ نیز با توصیف نتانیاهو به‌عنوان رهبر «دوران جنگ» و ادعای عجیب اینکه بدون او «اسرائیلی باقی نمی‌ماند» عملاً هرگونه فاصله‌گذاری انتقادی را کنار گذاشت. این اغراق‌ها اگرچه برای پایگاه‌های سیاسی هر دو کارکرد تبلیغاتی دارد اما شکاف واقعی در دستور کار مشترک را پنهان نمی‌کند: هر دو می‌خواهند، بحران‌ها را مدیریت کنند اما نه لزوماً با کاهش تنش؛ بلکه با تثبیت برتری و تحمیل شرایط.

غزه مهم‌ترین میدان آزمایش این رویکرد است.

ترامپ از آغاز سریع مرحله دوم طرح آتش‌بس سخن گفت اما پیش‌شرطی گذاشت که عملاً معنای «آتش‌بس» را تهی می‌کند: خلع‌سلاح کامل حماس. تهدید صریح او مبنی بر اینکه اگر این اتفاق رخ ندهد، شرایط برای حماس «وحشتناک» خواهد شد و حتی کشورهای دیگری آماده‌اند این گروه را «نابود» کنند، نشان می‌دهد که سخن گفتن از صلح بیشتر ابزاری برای مشروعیت‌بخشی به فشار نظامی است. اشاره ترامپ به نقش احتمالی ترکیه در نیروی بین‌المللی حافظ صلح آن هم درحالی که اسرائیل صراحتاً مخالف حضور آنکارا است، پرده از اختلافی برمی‌دارد که هر دو طرف می‌کوشند، پنهان‌شان کنند: واشنگتن به نیرویی چندملیتی برای تقسیم مسئولیت‌ها می‌اندیشد، درحالی که تل‌آویو نمی‌خواهد هیچ قدرت منطقه‌ای، حتی متحد مقطعی، در مدیریت غزه شریک شود.

با این همه، پرونده ایران، محور اصلی گفت‌وگو بود؛ محوری که لحن ترامپ را به‌وضوح تهاجمی‌تر کرد. هشدادر او مبنی بر «اقدام فوری» در صورت بازسازی تأسیسات هسته‌ای یا توسعه برنامه

موشکی، تکرار سیاست تهدید همراه با ابهام است؛ سیاستی که به‌ظاهر برای بازدارندگی طراحی شده اما عملاً خطر بی‌ثباتی را افزایش می‌دهد. ترامپ با یادآوری حملات گذشته به تأسیسات ایران و ادعای اینکه «می‌دانیم کجا می‌روند و چه می‌کنند»، پیامی دوگانه مخابره کرد: هم آماده استفاده از زور است و هم می‌خواهد در مذاکره با نیمه‌باز نگه دارد. توصیف وضعیت اقتصادی ایران به‌عنوان «تأسف‌بار» نیز تلاشی آشنا برای القای این تصور است که فشارها کارآمد بوده و تهران دیر یا زود پای میز مذاکره بازمی‌گردد. چنین تحلیلی تعمداً نادیده می‌گیرد که هر گام تهدیدآمیز، نه تنها جناح‌های تندرو در ایران را تقویت می‌کند بلکه ریسک یک جنگ ناخواسته را افزایش می‌دهد. جنگی که مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور کشور می‌گوید در صورت اتفاق با پاسخ سخت و پشیمان‌کننده مواجه خواهد شد. سیدعباس عراقچی وزیر امور خارجه نیز طی



یادداشتی در روزنامه گاردین با هشدار به ترامپ از آمریکا خواست با زبان احترام، بدون شرط و تبصره، با ملت ایران سخن بگوید. عراقچی نوشت ایران هرگز نخواهن جنگ با آمریکا نبوده است؛ خویشتنداری فرمانده‌های ما در ماه خرداد، که تنها دلیل سالم ماندن پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه است، این موضوع را ثابت می‌کند. این خویشتنداری نباید با ضعف اشتباه گرفته شود یا بی‌پایان فرض شود. علی شمخانی، دبیر پیشین شورای‌عالی امنیت ملی هم در واکنش به تهدیدات ترامپ نوشت: در دکترین دفاعی ایران، برخی پاسخ‌ها پیش از آنکه تهدید به مرحله اجرا برسد، تعیین‌تکلیف می‌شوند. توان موشکی و دفاعی ایران نه قابل مهار است و نه نیازمند اجازة. هر تجاوزی، پاسخ سخت، فوری و فراتر از تصور طراحانش خواهد داشت.

در پس این لفاظی‌ها، هدف نتانیاهو روشن بود: کشاندن ترامپ به موضعی حتی سختگیرانه‌تر با ارائه اطلاعات تازه درباره تلاش‌های ایران برای بازسازی توان نظامی. این خط روایت، که ایران را منشأ همه بحران‌ها معرفی می‌کند، کارکردی فراتر از مهار تهران دارد؛ زیرا

شدن روند گفت‌وگوها باشد؛ روندی که خود از ابتدا نیز با بی‌اعتمادی عمیق میان مسکو و کی‌یف همراه بوده است.

از سوی دیگر، برخی مقام‌های روسیه مدعی هستند که کشورهای اروپایی به‌ویژه بریتانیا تمایلی به شکل‌گیری توافق صلح ندارند و حتی نقش‌آفرین احتمالی در حمله ادعایی به اقامتگاه پوتین بوده‌اند. این ادعاها هنوز از سوی منابع مستقل تأیید نشده اما طرح آن نشان می‌دهد که مسکو می‌کوشد، مسئولیت تشدید تنش را متوجه بازیگران غربی کند. چنین روایتی، اگر در افکار عمومی روسیه تثبیت شود، می‌تواند برای کرملین دست بالا در مذاکرات ایجاد کند و فضای داخلی را بیش از پیش به سمت ادامه جنگ سوق دهد.

راه را برای عادی‌سازی روابط بیشتر کشورهای عربی با اسرائیل هموار می‌کند. به همین دلیل، وقتی ترامپ از احتمال توافق میان سوریه و اسرائیل و «فرصت بازسازی سوریه» حرف زد، در واقع از طرحی سخن گفت که در آن، اسرائیل محور یک نظم جدید است و هر کشوری که به این محور نپیوندد، در حاشیه و زیر فشار قرار می‌گیرد. این تصور ساده‌انگارانه است که بتوان بدون حل ریشه‌ای تنش با ایران، پروژه صلح مورد ادعا را پیش برد؛ اما ظاهراً در محاسبات واشنگتن و تل‌آویو، فشار و انزوا مقدم بر گفت‌وگو قرار گرفته است.

بعد دیگر ماجرا، بی‌اعتنایی آشکار به حقوق بین‌الملل است. نتانیاهو درحالی به آمریکا سفر کرد که دیوان کیفری بین‌المللی حکم بازداشت او را به دلیل جنایات جنگی در غزه صادر کرده است. عبور بی‌دردسر او از آسمان کشورهای اروپایی عضو همین دیوان، نشان داد هنگامی که پای سیاست قدرت در میان باشد، تعهدات حقوقی به‌سادگی کنار گذاشته می‌شود. ترامپ نمتنها به این حکم اشاره نکرد بلکه با «قهرمان» خواندن نتانیاهو عملاً اعتبار نهاده‌ای بین‌المللی را به‌سخره گرفت. این پیام برای منطقه خطرناک است: اگر رهبران می‌آموزند که مصونیت از پاسخگویی دارند، خشونت دیگر ترمزی نخواهد داشت.

با وجود تمام نمایش‌های ظاهری، این دیدار دستاورد ملموسی برای آتش‌بس در غزه به همراه نداشت. نه طرح مشخصی برای بازسازی، نه تضمینی برای حفاظت غیرنظامیان و نه حتی نقشه راهی برای دوران پساحماس ارائه شد. تنها چیزی که پرزنگ‌تر شد، هماهنگی دو طرف برای اعمال فشار بیشتر بر ایران و ترسیم معماری امنیتی تازه‌ای بود که به‌جای کاهش بحران‌ها، آنها را به حاشیه می‌راند و انباشته می‌کند. اختلافات تاکتیکی مانند نقش ترکیه یا شیوه مدیریت غزه در برابر توافق استراتژیک بر سر مهار ایران کم‌رنگ جلوه داده شد؛ اما این اختلافات دیر یا زود خود را تحمیل خواهند کرد زیرا هیچ طرحی بدون مشارکت بازیگران منطقه‌ای پایدار نمی‌ماند.

سرنوشت این نمایش قدرت اکنون به چند متغیر گره خورده است: واکنش ایران به تهدیدهای مستقیم، مسیر مذاکرات آتش‌بس و توان واشنگتن و تل‌آویو برای کنترل تضادهای درونی سیاست‌های خود. اگر تهدید جای گفت‌وگو را بگیرد، احتمال لغزش به سمت رویارویی افزایش می‌یابد؛ رویارویی‌ای که برخلاف تصور طراحانش قابل کنترل نخواهد بود. دیدار فلوریدا بیش از آنکه نوید صلح بدهد بر سایه جنگ افزود و بار دیگر نشان داد که وقتی سیاست به نمایش تبدیل می‌شود، حقیقت میدان نبرد همچنان همان است: بی‌ثباتی، ناامنی و آینده‌ای که هر روز مهی‌تر می‌شود.



با این حال، واقعیت میدانی جنگ و فشارهای اقتصادی و انسانی ناشی از آن هر دو طرف را ناچار کرده است، هزینه‌ها و دستاوردهای خود را با دقت بیشتری بسنجند. در این میان، هر ادعا درباره حملات پهبادی چه واقعی و چه بزرگمایی شده نه فقط یک رویداد نظامی بلکه ابزاری سیاسی در میز مذاکره به‌شمار می‌رود. اینکه آیا ماجرای نووگورود به تشدید تنش می‌انجامد یا صرفاً به برگ دیگری در بازی تبلیغاتی طرفین تبدیل می‌شود، در روزهای آینده و با واکنش‌های عملی دو پایتخت روشن‌تر خواهد شد. آنچه مسلم است اینکه صلح همچنان بیش از هر زمان دیگر به اعتمادسازی واقعی و شفافیت نیاز دارد؛ مؤلفه‌ای که هنوز در روابط مسکو و کی‌یف کمیاب است.

خاورمیانه

تنش کم‌سابقه عربستان و امارات

ریاض به ابوظبی مهلت خروج داد

وزارت خارجه عربستان در بیانیه‌ای کم‌سابقه از امارات خواست ظرف ۲۴ ساعت تمام نیروهای خود را از یمن خارج کرده و هر نوع حمایت مالی و نظامی از گروه‌های یمنی را متوقف کند. ریاض تأکید کرده این اقدام برای حفظ اصل برادری، حسن همجواری و ثبات شورای همکاری خلیج‌فارس ضروری است و در عین حال، همکاری برای امنیت منطقه باید ادامه یابد. به گفته عربستان، امارات با ارسال محموله‌های سلاح و تجهیزات سنگین از بندر فجیره به بندر المکلا بدون هماهنگی با فرماندهی ائتلاف، اصول توافق تشکیل ائتلاف («حمایت از دولت مشروع یمن» را نقض کرده است. ریاض همچنین از فشار ابوظبی بر شورای انتقالی جنوب برای انجام عملیات نظامی در حضرموت و المهره انتقاد کرده و این اقدامات را تهدیدی برای امنیت ملی عربستان و بی‌ثبات‌کننده برای یمن دانسته است. عربستان هشدار داده هرگونه تهدید علیه امنیت‌اش «خط قرمز» است و با آن مقابله خواهد کرد، در عین حال راه‌حل موضوع جنوب را صرفاً در گفت‌وگوی سیاسی فراگیر میان همه طرف‌ها، از جمله شورای انتقالی، می‌داند. در میدان، شورای انتقالی جنوب کنترل بخش‌های وسیعی از استان‌های جنوبی یمن را در دست گرفته و پیشروی در حضرموت شامل تصرف سیئون و برخی میادین نفتی و نیز گسترش نفوذ در المهره را گزارش کرده است. این پیشروی‌ها باعث عقب‌نشینی نیروهای مورد حمایت عربستان و افزایش نگرانی از درگیری‌های جدید و حتی احتمال حرکت به سمت احیای «یمن جنوبی» شده است. در پاسخ، وزارت خارجه امارات ضمن ابراز تأسف از بیابنه ریاض، هرگونه دخالت در تنش‌های داخلی یمن و نیز نقش‌آفرینی در عملیات‌هایی که امنیت عربستان را تهدید کند، رد کرده و بر پایدی خود به امنیت و حاکمیت عربستان تأکید کرده است. در این میان سخنان تند احمد بن‌بریک، نایب‌رئیس شورای انتقالی که پایان مشروعیت شورای ریاستی و نزدیکی اعلام کشور جنوب را یادآور شد، نشانه‌ای از افزایش تنش‌های سیاسی و احتمال ورود بحران یمن به مرحله‌ای تازه تلقی می‌شود.





سال هشتم شماره ۲۱۵۲
چهارشنبه ۱۰ دی ۱۴۰۴



نوزایش دوم

مناظرهٔ محمد قوچانی و میثم مهدیار درباره سیدجواد طباطبایی

گروه فرهنگی: شنبه ۶ دی، برنامهٔ «شیوه» شبکهٔ چهارم سیما میزبان مناظره میان محمد قوچانی، عضو شورای مرکزی و رئیس کمیتهٔ سیاسی حزب کارگزاران سازندگی و میثم مهدیار استادیار دانشگاه علامه طباطبایی با عنوان «ایران شهری و امر ملی» بود.

تشکیل آکادمی بیرون از آکادمی

قوچانی در این مناظره با اشاره به اخراج جواد طباطبایی از دانشگاه تهران در دهه ۱۳۷۰ گفت: «در آن زمانی که ایشان از دانشگاه اخراج شدند، دلایل و اتهامات عجیبی به ایشان زدند، ظاهراً به ایشان گفته بودند که شما ناسیونالیست و لیبرال هستید. امروز وقتی می‌بینیم که مجسمهٔ شاپور ساسانی در میدان انقلاب در نزدیکی دانشگاه تهران، در همان یکی دو ماهی که در این میدان برپا بود، می‌گویم ای کاش دکتر طباطبایی زنده بود و می‌دید که طرز تفکر، نگرش و نگاهش چطور می‌تواند در طول یک دوره بیست سسی ساله خود را نشان دهد.» او در ادامه به اصرار دکتر طباطبایی برای ماندن در ایران اشاره کرد: «دکتر طباطبایی بر خلاف بسیاری از اساتیدی که متأسفانه از کشور رفتند، حتی فردی مثل بهرام بیضایی که به‌دلایلی در سال‌های اخیر نتوانست در کشورش بماند، سعی کرد در ایران بماند. تعبیر ایشان این بود که من آکادمی را بیرون از آکادمی تشکیل خواهم داد و این کار را کرد، یعنی در حوزهای، آموزش آزاد را با موسسهٔ پرسش که بعداً اصولگرایان هم از آن موسسات استفاده کردند به‌وجود آورد. ایده‌ای که در تمام این سال‌ها در ذهن ایشان بود و ما امروز به آن می‌پردازیم، این نوع نگاه ملی است که الان یکی دو سال در جامعه ایران رواج پیدا کرده به‌خصوص بعد از جنگ تحمیلی دومی که در ایران اتفاق افتاد، برجسته‌تر شد.»

دو چهرهٔ طباطبایی

مدیر مسئول مجلهٔ «آگاهی نو» در ادامه گفت: «دو چهره می‌توان از دکتر طباطبایی تصور کرد. یک تصویر طباطبایی دانشور است، استاد دانشگاهی که همیشه دوست داشت با این صفت شناخته شود. بزرگ‌ترین افسوس‌ی که دکتر طباطبایی داشت این بود که خانه‌اش یعنی دانشگاه را از او گرفتند. گرچه در آکادمی‌های آزاد و داترالمعارف‌ها و نشریات کاری می‌کرد ولی علاقه‌اش این بود که به عنوان یک شخصیت دانشگاهی شناخته شود. چهرهٔ دوم او نظریه‌پردازی در فلسفهٔ سیاسی و مفهوم «امر ملی» است. ایده و مفهوم «ایران‌شهری» مورد نظر دکتر طباطبایی به‌هیچ‌وجه یک مفهوم ایدئولوژیک نیست. طباطبایی حتی از به کار بردن کلمهٔ «پروژه» برای نظریه‌اش ابا داشت و می‌گفت این پروژه نیست، یک «کار تحقیقاتی» است. ایده‌ای که دکتر طباطبایی مطرح می‌کرد، سعی داشت مبانی علمی و نظری داشته باشد. الان هم اتفاقی که در جامعه ما دارد رخ می‌دهد، یعنی تبدیل کردن متفکرین و دانشوران به افراد ایدئولوگ، همان بلایی که در غرب مارکسیست‌ها بر سر مارکس آوردند قطعاً به‌نظر من، مورد رضایت دکتر طباطبایی نیست. ما یک طباطبایی را در تقدیر تاریخی‌مان

سینمای جهان

اضطراب دائمی

یک مرد معمولی

مچ‌گیری؛ جنایت شهری با امضای آرنوفسکی

فرزانه متین

خبرنگار

فیلم مچ‌گیری «Caught Stealing» تازه‌ترین اثر دارن آرنوفسکی، کارگردان شناخته‌شده و بحث‌برانگیز سینمای آمریکا، یکی از آثار قابل‌توجه سینمای سال ۲۰۲۵ است. فیلمی که برخلاف انتظار بسیاری از مخاطبان جدی این فیلمساز، نه یک درام روان‌شناختی سنگین یا تجربه‌ای فلسفی بلکه تریلری جنایی با رگه‌هایی از کمدی سیاه است. آرنوفسکی که با آثاری چون «مرثیه‌ای برای یک رویا»، «قوی سیاه» و «نهنگ» به‌عنوان فیلمساز دغدغه‌مند در حوزه فروپاشی انسان و بحران‌های درونی شناخته می‌شود، در «مچ‌گیری» به سراغ روایتی پرتحرک شهری رفته است. تغییری که واکنش‌های متفاوتی را در میان منتقدان خارجی به همراه داشته است. داستان فیلم براساس رمانی به همین نام، نوشته چارلی هیوستون شکل گرفته و در نیویورک دهه ۱۹۹۰ می‌گذرد. شخصیت اصلی، هنک تامپسون، مردی است که زمانی ستاره تیم بیسبال دبیرستانی بوده اما اکنون زندگی آرام و بی‌حاشیه‌ای دارد. او نه قهرمان است و نه ضدقهرمان، انسانی معمولی که گذشته‌ای ناکام و آینده‌ای نامعلوم دارد. نقطه آغاز بحران زمانی رقم می‌خورد که هنک، تنها برای کمک به همسایه‌اش، قبول می‌کند چند روزی از گریه او نگهداری کند. همین اتفاق به‌ظاهر ساده، او را ناخواسته وارد شبکه‌ای پیچیده از جنایتکاران، پلیس‌ها و باندهای زیرزمینی می‌کند. شبکه‌ای که هیچ‌کدام از قواعدش را نمی‌شناسند و حتی نمی‌داند دقیقاً چه چیزی از او می‌خواهند.



دانشگاه علوم پزشکی خدمات بهداشتی درمانی مازندران

آگهی مناقصه ۳۸/م/۱۴۰۴

دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مازندران

دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مازندران در نظر دارد از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت نسبت به خرید تجهیزات چهارگانه شامل قفسه بندی بخشهای عمومی و استریل مرکزی، رختشویخانه، آشپزخانه و آزمایشگاه بیمارستان تازه ساز آیت الله طبرسی شهرستان ساری واقع در ماهفروچک از طریق بخش غیر دولتی اقدام نماید.
از متقاضیان واجد شرایط جهت دریافت اسناد و تحویل پیشنهاد طبق برنامه زمانبندی ذیل دعوت بعمل می آید.

• مهلت دریافت اسناد : از تاریخ ۱۴۰۴/۱۰/۱۰ لغایت ۱۴۰۴/۱۰/۱۶.

• مهلت تحویل پیشنهاد : ۱۴۰۴/۱۰/۲۸.

• زمان گشایش پیشنهادها: ۱۴۰۴/۱۰/۲۹.

• مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار : به شرح مندرج در اسناد.

• محل دریافت اسناد و تحویل پیشنهادات : سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس WWW.SETADIRAN.IR. در ضمن به پیشنهادهای واصله خارج از درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت ترتیب اثر داده نخواهد شد.

• نشانی : ساری – میدان امام (ره) – سه راه جویبار – ابتدای بزرگراه بسیج – دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مازندران – کد پستی : ۴۸۱۵۷۳۳۹۷۱

• اداره مناقصات و قراردادهای دانشگاه با شماره تلفن ۰۱۱-۳۳۰۴۴۱۰۹ و مدیریت آمار فناوری اطلاعات و ارتباطات دانشگاه با شماره تلفن ۰۱۱-۳۳۰۴۴۷۰۹ آماده پاسخگویی به سؤالات می‌باشد.

دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مازندران

شناسه آگهی ۲۰۸۱۰۷۶

نوبت دوم

آگهی مناقصه

شرکت پالایش گاز فجر جم در نظر دارد مناقصه عمومی دو مرحله ای «**تعمیرات اساسی و بازسازی یک دستگاه توربین گازی AVON مدل ۱۵۳۵ به شماره سریال ۳۸۵۳۴**» به صورت ارزیابی کیفی و به شماره فراخوان **۲۰۰۴۹۲۲۷۳۰۰۰۰۸۱** از طریق سامانه تدارکات الکترونیک دولت برگزار نماید.

کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیک را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. همچنین مناقصه گران باید دارای گواهینامه صلاحیت پیمانکاری معتبر با حداقل پایه ۴ در رشته تاسیسات و تجهیزات و یا حداقل پایه ۵ در رشته نفت و گاز از سازمان برنامه و بودجه کشور (ساجات) در زمان تحویل پیشنهاد باشند.

• **حدود مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار:** به مبلغ ۳۴,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال به صورت ضمانت‌نامه بی قید و شرط بانکی یا رسید واریز وجه نقد به شماره

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۰/۰۷

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۰/۱۰

نوبت اول

آگهی فراخوان مزایده عمومی شماره ۳ / سه

شهرداری پرند باستناد مجوز شماره ۰۴۱۲۹۱ مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۰۸ صادره از سوی شورای اسلامی شهر پرند در نظر دارد نسبت به فروش و واگذاری خودروهای مستهلک شهرداری به تعداد چهار عدد به شماره ۰۰۰۰۳۰۸۲۸۳۰۰۰۰۰۳ را از طریق مزایده عمومی به صورت فروش به اشخاص دارای صلاحیت و با شرایط ذیل واگذار نماید لذا متقاضیان جهت دریافت اسناد و اطلاعات بیشتر میتوانند از تاریخ ۱۴۰۴/۱۰/۱۰ به مراجعه به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد ایران به نشانی www.setadiran.ir) در مزایده شرکت نمایند

۱- مبلغ پایه فروش : ۸/۹۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

۲- مهلت و محل دریافت اسناد مزایده :

مهلت دریافت اسناد از تاریخ انتشار آگهی تا ساعت ۱۲:۰۰ یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۱۴ و محل دریافت اسناد آن صرفاً از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به نشانی (www.setadiran.ir) میباشد.

۳- مهلت و محل تسلیم پیشنهادات: متقاضیان می بایست پاکتهای پیشنهاد قیمت خود را که برابر شرایط مندرج در اسناد مزایده تنظیم شده است را حداکثر تا ساعت ۱۲:۰۰ روز پنج شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۲۵ در

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۴/۱۰/۱۰

تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۴/۱۰/۱۴

شناسه آگهی ۲۰۸۶۷۹۲

فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله ای نوبت نخست

اداره کل بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان بوشهر

اداره کل بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان بوشهر در نظر دارد اجرای اسکلت بتنی ۶ بلوک دو طبقه جمعاً ۴۸ واحد فاز ۷ پروژه نهضت ملی مسکن شهر خورموج (تامین بتن بعهده کارفرما و مابقی مصالح به عهده پیمانکار) را از طریق مناقصه عمومی به پیمانکاران واجد شرایط و دارای گواهینامه صلاحیت پیمانکاری در رشته ابنیه با حداقل رتبه ۵ واگذار نماید. لذا متقاضیان می توانند جهت اخذ اسناد مناقصه از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir مراجعه نمایند. لازم بذکر است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

• شرایط شرکت در مناقصه:

۱- شرکت کنندگان می بایست دارای سابقه کار مشابه با رضایت نامه کتبی از کارفرما باشند.

۲- شرکت کنندگان می بایست الزاماً فرم بازدید از محل پروژه را تکمیل و توسط نماینده کارفرما در شهرستان مهر و امضاء شده و در سامانه ستاد بارگذاری نمایند. در صورت عدم ارائه و بارگذاری فرم مذکور، هیچگونه ترتیب اثری به سایر مدارک و پیشنهاد قیمت داده نخواهد شد و از دور رقابت خارج می گردد.

۳- تامین بتن بعهده کارفرما و مابقی مصالح به عهده پیمانکار می باشد.

نحوه پرداخت : پرداخت از محل تسهیلات بانکی و آورده متقاضیان نهضت ملی مسکن می باشد.

شرکت کنندگان در مناقصه میبایست علاوه بر بکارگیری امضای الکترونیکی و بارگذاری اسناد پاکت های پیشنهاد (الف)، (ب)، (ج) در سامانه ستاد، نسبت به ارائه اسناد فیزیکی (کاغذی) پاکت پیشنهاد (الف) به دبیرخانه اداره حراست اداره کل بنیاد مسکن اسلامی استان بوشهر واقع در خیابان شهید مطهری اقدام نمایند.

- مبلغ تضمین شرکت در مناقصه به صورت ضمانت نامه بانکی بمدت حداقل ۳ ماه باشد.

ضمناً بر پیمانکار فقط مطابق با ظرفیت کاری و صلاحیت پیمانکاری حق شرکت در مناقصه را دارد.

ردیف	نام پروژه	مدت اجرای پروژه	مترائ عملیات	بر آورد اولیه براساس فهرست بهار رشته ابنیه ۱۴۰۴ (ریال)	مبلغ تضمین شرکت در مناقصه (ریال)	اخذ اسناد مناقصه تا تاریخ	مهلت عودت اسناد مناقصه تا تاریخ	تاریخ بازگشایی پیشنهادات
۱	اجرای اسکلت بتنی ۶ بلوک دو طبقه جمعاً ۴۸ واحد فاز ۷ پروژه نهضت ملی مسکن شهر خورموج (تامین بتن بعهده کارفرما و مابقی مصالح به عهده پیمانکار)	۶ماه	۴۶۰۲/۸۴ مترمربع	۱۹۰/۹۳۲/۸۵۹/۶۸۰	۹/۵۴۶/۶۴۲/۹۸۴	۱۴۰۴/۱۰/۱۴	۱۴۰۴/۱۰/۲۴	۱۴۰۴/۱۰/۲۸

شرکت کنندگان جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه به آدرس خیابان شهید مطهری واحد امور قرارداده‌ا و ارایه پاکت الف به آدرس خیابان شهید مطهری دبیرخانه اداره حراست اداره کل بنیاد مسکن اسلامی استان بوشهر مراجعه نمایند.

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۴/۱۰/۱۰

تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۴/۱۰/۱۱

روابط عمومی اداره کل بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان بوشهر

گزارش: سینمای جهان

نابغه‌های رانده‌شده از وطن

قصه‌های مشترک کوروساوا و بیضایی

الهه دره‌شامی

روزنامه‌نگار

۴۰ سال پیش فیلمی از اسطوره سینمای ژاپن برای اولین بار نامزد دریافت جایزه اسکار شد. آکیرا کوروساوا همچنان یکی از بزرگ‌ترین فیلمسازان تاریخ به‌شمار می‌آید؛ با این حال و با وجود جایگاه عظیم‌اش در تاریخ سینما، کوروساوا تنها یک‌بار نامزد دریافت جایزه اسکار شد. نامزدی که نزدیک به پایان دوران فیلمسازی او اتفاق افتاد. پس از سال ۱۹۸۰ کوروساوا تنها پنج فیلم دیگر ساخت سپس از فیلمسازی کناره‌گیری کرد. دومین فیلم از این دوره و بیست‌وششمین فیلم او در مجموع «آشوب» نام داشت؛ فیلمی که تنها یک بار نامزدی اسکار کارگردانی را با وجود کارنامه‌ای سرشار از فیلم‌های بزرگ برای او رقم زد.

کوروساوا در ژاپن و بیضایی در ایران

به دلایل مختلف، برخی از کارشناسان و منتقدان بهرام بیضایی یکی از مهم‌ترین چهره‌های سینمای ایران را با آکیرا کوروساوا مقایسه می‌کردند. پنج روز پیش بهرام بیضایی در ۸۷ سالگی‌اش، درست در روز تولدش، در غربت، درگذشت. ایسن اتفاق تلخ سرنوشت هنرمندانی را یادآوری می‌کند که فرهنگ ملی را با عمق و استقلال پاس می‌دارند اما اغلب در وطن خود مجال کافی نمی‌یابند و با موانع نهادی، سانسور و توقیف روبه‌رو می‌شوند. بیضایی سال‌ها پیش به دعوت دانشگاه استنفورد به آمریکا رفت. آنجا به تدریس پرداخت و تا آخرین لحظات پرکار ماند. این دوری ناخواسته فرصتی برای ادامه میرانش در فضایی آزادتر فراهم کرد اما حسرت و وطن همیشه بر آن سایه افکنده بود. بیضایی ریشه در تعزیه، شاهنامه و اساطیر ایرانی داشت. آثاری آفرید که هویت پارسی را در برابر فراموشی نگه داشت. فیلم‌های او شاهکارهای سینمای ایران هستند و نمادی از مبارزه با فراموشی فرهنگی به‌شمار می‌روند. او زنان، حاشیه‌نشینان، اقلیت‌ها و کودکان جنگ‌زده را قهرمان روایت‌هایش کرد و صدای‌شان را بلند نمود. بسا توقیف فیلم‌ها و ممنوعیت نمایش‌ها در ایران روبه‌رو بود، اما تسلیه نشد و حتی در آمریکا نسل جدید را با اسطوره‌های ایرانی آشنا کرد. این مقاومت در برابر فشارها، او را به نمادی از استقلال هنری تبدیل کرد. این سرنوشت انزوا و پایداری، یادآور مسیر آکیرا کوروساوا هم هست. کوروساوا سبک جسورانه و پویایی داشت که طبیعت را نه فقط پس‌زمینه بلکه شخصیت زنده‌ای در آثارش می‌دید. باران، مه و باد نماد آشفته‌گی انسانی، ابهام حقیقت و سرنوشت بودند. او انسانیت را در دل تاریخ و بحران‌ها جست‌وجو می‌کرد و قهرمانانش اغلب افراد تنها در برابر فساد، قدرت و جامعه فاسد بودند. روایت‌های چندلایه می‌ساخت که اخلاق انسانی، شرافت و مبارزه فردی را در برابر جمع‌گرایی یا فساد سیستماتیک برجسته می‌کرد. این جهان‌بینی عمیقاً انسانی، او را از بسیاری از هم‌عصرانش متمایز می‌کرد اما کوروساوا در ژاپن با انتقادهای گسترده و شدیدی روبه‌رو بود که اغلب ریشه در کم‌لطفی و قدرشناسی مردم، روشنفکران و دولت داشت.

فروش فرهنگ شرقی به غرب

منتقدان ژاپنی او را به‌شدت متهم به «غربی بودن» بیش از حد می‌کردند. سبک پوپا، ویرایش سریع، حرکات، تمرکز بر فردگرایی و قهرمان تنها را مستقیماً تحت‌تأثیر سینمای هالیوود می‌دانستند و معتقد بودند که از اصالت و سنت ژاپنی فاصله گرفته است. در دوره پس از جنگ، وقتی ژاپن در جست‌وجوی هویت ملی جدید بود، کوروساوا را به‌عنوان کسی که بیش از حد به ارزش‌های غربی گرایش دارد، سرزنش می‌کردند. این انتقادها تنها از سوی نخبگان بلکه در میان مردم عادی نیز بازتاب داشت، جایی که بسیاری او را بیش از حد پیچیده و دور از فرهنگ روزمره ژاپنی می‌دانستند. دولت ژاپن و صنعت سینما نیز دیدگاه مثبتی به او نداشتند و کم‌لطفی‌شان در عدم حمایت مالی و ایدئولوژیک مشهود بود. استودیوهای بزرگ مانند



داشتیم که چشم ما را در کنار خیلی از متفکران دیگر به مفهوم امر ملی باز کرد. به‌نظر من، اگر برای طباطبایی همین مقام شناخته شود بسیار ارزنده است.»

نوزایش دوم ایران

قوچانی در ادامه با اشاره شناخت ناقص منتقدان اصولگرایی طباطبایی از نظرات او گفت: «متأسفانه شناخت بعضی از دوستان اصولگرای ما از دکتر طباطبایی بر مبنای یکی دو بخش از زندگی ایشان است. طباطبایی دو نظریه اساسی داشت. تا دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ بر اساس نظریه زوال صحبت می‌کرد. این نظریه باعث شد که بسیاری از اصولگرایان و حتی اسلام‌گرایان دیگر فکر کنند با استناد به یک مصاحبه مجعول، ناقص و ناتمام از دکتر طباطبایی می‌توانند از دکتر طباطبایی، یک چهره ضداسلام و غیردینی نشان دهند و با همین اتهام هم دکتر طباطبایی را از دانشگاه تهران اخراج کردند. نظریه دوم دکتر طباطبایی که در سال‌های اخیر دیده نشده، نظریه «نوزایش دوم ایران» است. دکتر طباطبایی نظریه «نوزایش دوم ایران» را بعد از سده مشروطه، یعنی جشنی که برای صدمین سال مشروطه در سال ۱۳۸۵ برگزار شد، مطرح کرد. بر مبنای این نظریه، ایران دوباره در آستانه یک رنسانس قرار گرفته که آستانه آن انقلاب مشروطه و مکتبی است که دکتر طباطبایی به‌صراحت از آن به‌عنوان مکتب آخوند خراسانی یاد می‌کند. تفسیری که من از دکتر طباطبایی ارانه می‌کنم براساس نوشته‌ها، کارها و دریافتی است که خود دارم. بعد از درگذشت دکتر طباطبایی، افراد زیادی مدعی شدند که می‌توانند، نظریات ایشان را توضیح دهند و متولی باشند. من اساساً خود را متولی نمی‌دانم و به‌عنوان کسی که فقط علاقه‌مند است سعی می‌کنم، روایتی ارائه کنم که فکر می‌کنم روایت هم‌زیستی ایران، اسلام و آزادی را در کشور تبیین می‌کند و به‌نظرم، بعد از این جنگ ۱۲ روزه بیش از هر زمان دیگری به کار ملت و دولت ما می‌آید.»

انقلاب اسلامی تداوم تاریخ ایران است

در ادامه این برنامه میثم مهدیار با عنوان این نکته که باید دو نوع ایران‌گرایی را از یکدیگر متمایز کرد، گفت: «من اسم آن‌ها را «ایران‌گرایی نمادین» و «ایران‌گرایی نهادین» می‌گذارم. ارجاعاتی که آقای قوچانی به مرحوم خلخالی و دیگران می‌دهند، واکنش انقلابیون به سوء استفاده‌هایی بود که پهلوی‌ها از نمادهای ایرانی می‌کردند. به‌هر حال در یک رقابت گفتمانی، انقلاب و واکنش‌هایی رخ داده و حتماً می‌دانید که پهلوی‌ها خیلی تلاش می‌کردند که تفسیر خاصی از ایران را برجسته و آن را به‌عنوان یک پشتوانه مشروعیت‌بخش برای خود استفاده کنند. به هر حال وقتی انقلابی علیه یک نظام سیاسی اتفاق می‌افتد، قاعدهتاً در این رقابت گفتمانی، آن نشانه‌ها و نمادها مورد نقد قرار می‌گیرد به‌خصوص در میان

آرتوفسکی در روایت این داستان، به‌جای تمرکز بر معماهای پیچیده یا پیش‌های داستانی غافلگیرکننده، بیشتر بر حس تعقیب دائمی، اضطراب و بی‌ثباتی زندگی شهری تمرکز دارد. نیو یورک در «مچ‌گیری» شهری زنده، خشن و بی‌رحم است که افراد معمولی در آن می‌توانند در یک لحظه به مهره‌ای ناخواسته در بازی‌های بزرگ‌تر تبدیل شوند. این نگاه، هرچند در قالبی سرگرم‌کننده ارائه می‌شود اما همچنان رگه‌هایی از جهان‌بینی همیشگی آرتوفسکی را در خود دارد: انسان در برابر سیستمی بزرگ‌تر از خود، ناتوان و تهاس‌ست. در مرکز فیلم، بازی آستین باتلر در نقش هنک تامپسون قرار دارد. باتلر که پیش‌تر با نقش‌های پرزرق‌وبرق شناخته می‌شد، در اینجا اجرایی کنترل شده و باورپذیر ارائه می‌دهد. شخصیتی که بیش از آنکه کنشگر باشد، واکنش نشان می‌دهد و همین ویژگی، او را به نماینده‌ای از انسان معاصر تبدیل می‌کند. زویی کراوینز در نقش ایوان، دوست هنک، حضوری متعادل دارد و به ایجاد بعد انسانی داستان کمک می‌کند، هرچند برخی منتقدان معتقدند، فیلمنامه فرصت کافی برای پرداخت عمیق‌تر به این رابطه فراهم نمی‌کند. مت اسمیت در نقش همسایه مرموز، یکی از عناصر طنز سیاه فیلم را شکل می‌دهد و بازیگرانی چون رچینا کینگ، لیو شرایبر، ونیسنت دن آفریو و حتی بد بانی، هر کدام با نقش‌های کوتاه اما پرنرگ، به فضای شلوغ و متنوع داستان جان می‌بخشند.

بازسازی موفق فضای دهه ۹۰

از نظر بصری، فیلم یکی از آثار خوش‌ساخت آرتوفسکی در سال‌های اخیر به‌شمار می‌آید. فیلمبرداری پرتحرک، استفاده از دوربین روی دست و قاب‌هایی که اغلب شخصیت‌ها را در دل شلوغی شهر رها می‌کنند، حس ناامنی و تعلیق را تقویت می‌کند. بازسازی فضای دهه ۹۰، از موسیقی تا طراحی صحنه، به‌خوبی انجام شده و برای بسیاری از منتقدان خارجی، یکی از جذاب‌ترین جنبه‌های فیلم محسوب می‌شود. ریتم فیلم تند است و تدوین اجازه نمی‌دهد داستان دچار سکون شود؛ نکته‌ای که آن را برای مخاطب عام نیز جذاب کرده است.

با این حال «مچ‌گیری» خالی از ضعف نیست. مهم‌ترین نقدی که در منابع خارجی به فیلم وارد شده، عدم تعادل کامل میان لحن طنز و سیاه و فضای جنایی است. برخی منتقدان معتقدند، فیلم نه آنقدر تلخ و



کسانی که در متن انقلاب هستند، دوگانه‌هایی ایجاد می‌شود. اما اساس انقلاب اسلامی، یعنی وجه نهادین انقلاب اسلامی اساساً در تداوم تاریخ ایران بوده و جریانی که خود را ایران‌شهری می‌داند به آن بی‌توجه است و صرف یک سری ارجاعات سیاسی و روزنامه‌ای به اتفاقاتی که در دهه ۶۰ یا ۷۰ افتاده ر دلالتی می‌دانند برای این‌که مثلاً جریان ایران‌شهری به محاق رفته است. اساساً این روایت آقای طباطبایی و دوستان دیگر از ایران‌شهری و از ایران مقداری دچار چالش و در واقع، روایتی سکولار و مدرن است و خیلی نسبتی با آن ایران تاریخی که می‌فهمیم ندارد.»

جدال بر سر مهرنامه

مهدیار در ادامه با اشاره به سوابق مطبوعاتی قوچانی گفت: «آقای قوچانی و دوستان در این سال‌ها تغییراتی کردند. ایشان در دهه ۸۰ مجله «مهرنامه» را منتشر می‌کرد که همیشه روی جلدش، مثلاً عکس آقای کاتوزیان و آن جریانی که من اسمش را استبداد ایرانی می‌گذارم بیشتر برجسته بود. به‌زعم من، این‌ها بیشتر جریان‌های ضد ایرانی بود چراکه امثال کاتوزیان یا گفتمان «استبداد ایرانی» امثال آقای کاتوزیان، بشیریه و بعدها کسانی مثل سریع‌القلم، زیباکلام، علمداری و پیران اینها کسانی هستند که من آنها را ذیل گفتمان استبداد ایرانی صورت‌بندی می‌کنم که معتقدند تاریخ ایران، درون‌زا و روبه‌رشد نبوده و ما عقلانیت تاریخی و فرهنگی نداشتیم.»

قوچانی در پاسخ به این ادعای مهدیار گفت: «بنده به‌عنوان یک روزنامه‌نگار، وظیفه‌ام روزنامه‌نگاری و گفت‌وگو با افراد است. هر کسی را که روی جلد می‌آورم و با او گفت‌وگو می‌کنم، در مجله مهرنامه یا شهروند، به‌معنای این نیست که از او دفاع می‌کنم، من با مخالف خود هم مصاحبه کرده‌ام. بزرگ‌ترین مصاحبه‌ای که با بابک زنجانی انجام شده در مجلات من صورت گرفته است. یک ریال هم قبولش نداشتم و ندارم و دیگران و دیگران. بنابراین، این که شما آقای کاتوزیان و سریع‌القلم را کنار هم می‌گذارید، جفا به آقای سریع‌القلم و یقیه دوستان است و فکر می‌کنم یک مقدار هم در تاریخ‌ها اشتباه می‌کنید. اولین گفت‌وگوی که من خدمت آقای دکتر طباطبایی کردم، سال ۷۹ در روزنامه «همشهری» بود. عنوان آن «تجددی دیگر» بود، اگر آن گفت‌وگو را می‌خواندید کلاً دیدگاه‌های شما در باب این‌که آقای دکتر طباطبایی فقط می‌خواهد ما را ذیل تجدد ببرد، تغییر می‌کرد. به‌نظرم طباطبایی را به متن بخوانید. طباطبایی کتاب نوشته و منبری نبوده است. دکتر طباطبایی متهم به یک ملی‌گرایی افراطی یا پان‌ایرانیسم یا ناسیونالیسمی از این جنس است. ویژگی اندیشه‌های طباطبایی این بود که فقط به گذشته افتخار نمی‌کرد. در هیچ‌کدام از آثار طباطبایی این فرمایشاتی که شما می‌گویید، وجود ندارد، از جمله مثلاً در مورد روز کوروش، من به یاد ندارم ایشان هیچ‌وقت این حساسیت را با وجود همه اهمیتی که برای کوروش کبیر قائل بود، گفته باشد.»



عمیق است که به یک تریلر روان‌شناختی بدل شود و نه آنقدر طنزآمیز که در قامت یک کمدی جنایی ماندگار ظاهر شود. این دوگانگی لحن، گاه باعث می‌شود مخاطب نداند باید با داستان همذات‌پنداری کند یا صرفاً آن را به‌عنوان سرگرمی دنبال کند. همچنین شخصیت‌های فرعی، با وجود بازی‌های قابل قبول، اغلب در حد تپه‌های آشنا باقی می‌مانند و فرصت چندانی برای پرداخت عمیق‌تر نمی‌یابند.

در مقایسه با آثار پیشین آرتوفسکی، «مچ‌گیری» شاید فیلمی کم‌ریسک‌تر و تجاری‌تر به‌نظر برسد اما همین ویژگی برای بسیاری از منتقدان، نشانه‌ای از انعطاف‌پذیری این کارگردان است. او نشان می‌دهد که می‌تواند از فضای سنگین و نمادگرای آثار گذشته فاصله بگیرد و در عین حال امضای بصری و نگاه انسانی خود را حفظ کند. واکنش منتقدان خارجی نیز عموماً مثبت بوده است؛ بسیاری فیلم را تجربه‌ای سرگرم‌کننده، خوش‌ریتم و متفاوت در کارنامه آرتوفسکی دانسته‌اند، هرچند آن را در زمره بهترین آثار او قرار نمی‌دهند. در مجموع «مچ‌گیری» فیلمی است که بیش از آنکه بخواهد جهان‌بینی تازه‌ای ارائه دهد، تماشاگر را به دل یک ماجرای پرهیجان شهری می‌برد.

فیلمی که شاید عمق فلسفی «قوی سیاه» یا تأثیر عاطفی «نهنگ» را نداشته باشد اما به‌عنوان یک تریلر جنایی خوش‌ساخت، جایگاه خود را در سینمای ۲۰۲۵ پیدا کرده است. این اثر نشان می‌دهد آرتوفسکی، حتی زمانی که مسیر متفاوتی را انتخاب می‌کند، همچنان فیلمسازی است که نگاهش به انسان، تنهایی و بقا، از دل ژانر هم قابل تشخیص است؛ نگاهی که باعث می‌شود در اثر اخیرش فراتر از یک فیلم صرفاً سرگرم‌کننده، قابل بحث و تأمل باشد.



اداره کل آموزش و پرورش خراسان رضوی

اداره کل آموزش و پرورش خراسان رضوی در نظر دارد **فراخوان خرید یک دستگاه اکوکار دیوگرافی برای درمانگاه شماره یک فرهنگیان مشهد به شماره فراخوان ۰۵۸۶۵۰۰۰۰۰۵۸۶۵۰۰۰۰۰۵** را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. لذا متقاضیان شرکت در مناقصه می توانند جهت دریافت اسناد فراخوان به سامانه تدارکات الکترونیک دولت (ستاد) به نشانی www.setadiran.ir با شماره مناقصه ۰۵۸۶۵۰۰۰۰۰۵۸۶۵۰۰۰۰۰۵ مراجعه نمایند.

مهلت دریافت اسناد فراخوان: ۱۴۰۴/۱۰/۱۸ ساعت ۱۸:۳۰

مهلت ارسال پیشنهادات: ۱۴۰۴/۱۰/۲۸ ساعت ۱۸:۳۰

زمان بازگشایی پاکت ها: ۱۴۰۴/۱۰/۲۹ ساعت ۸:۳۰

اداره کل آموزش و پرورش خراسان رضوی

دیدگاه: یادداشت اقتصادی

سقوط وحشتناک

چرا شاخص ۱۰۰ هزار واحد فرو ریخت؟

نسرین خدادادی

گروه اقتصاد

شاخص کل بورس تهران در پایان معاملات دیروز با افت قابل‌توجه ۱۰۲ هزار و ۱۷۹ واحدی به سطح ۴ میلیون و ۲۱ هزار و ۴۴۷ واحد رسید و کاهش ۲۰.۴۸ درصدی را به ثبت رساند. شاخص کل هم‌وزن نیز همسو با نماگر اصلی بازار ۲۵ هزار و ۶۸۷ واحد افت کرد و در محدوده یک میلیون و ۱۰۷ هزار و ۵۰۴ واحد ایستاد تا بازدهی منفی ۲۰.۲۷ درصدی را تجربه کند. این ارقام نشان می‌دهد، فشار فروش نه‌تنها در نمادهای بزرگ بلکه در کلیت بازار و سهام کوچک‌تر نیز گسترده بوده است.

این افت سنگین پس از رشد سریع و پر قدرت بورس در دو تا سه ماه اخیر رخ داد و می‌توان آن را نخستین اصلاح جدی بازار در این بازه زمانی دانست. طی هفته‌های گذشته، بازار سهام با موجی از خوش‌بینی، ورود نقدینگی و افزایش انتظارات تورمی، رشد پرشتایی را تجربه کرده بود؛ رشدی که طبیعتاً بدون وقفه نمی‌توانست ادامه‌دار باشد. از این منظر، اصلاح اخیر را می‌توان بخشی از ذات طبیعی بازار دانست هرچند شدت آن بسیاری از فعالان را غافلگیر کرد.

در معاملات دیروز، حجم دادوستد سهام، حق‌تقدم و صندوق‌های سهامی به ۵۰.۹ میلیارد سهم رسید و ارزش معاملات نیز حدود ۱۹ هزار و ۴۸۷ میلیارد تومان ثبت شد. اگرچه این ارقام از تداوم تحرک در بازار حکایت دارد اما بررسی سرانه‌ها، تصویر متفاوتی ارائه می‌دهد. سرانه خرید ۴۶.۴ میلیون تومان و سرانه فروش ۹۷.۴ میلیون تومان بود که نشان می‌دهد، فشار عرضه به‌مراتب بالاتر از تقاضا قرار داشته و فروشنندگان دست بالا را در بازار داشته‌اند.

منفی بودن قدرت خرید حقیقی‌ها در سطح ۲.۱ و خروج ۷ هزار و ۷۰۴ میلیارد تومان پول حقیقی، نشانه‌ای روشن از افزایش احتیاط میان سرمایه‌گذاران است. این میزان خروج پول، یکی از بزرگ‌ترین خروج‌های نقدینگی در تاریخ بورس ایران محسوب می‌شود و نشان می‌دهد، بخشی از فعالان بازار ترجیح داده‌اند پس از رشد‌های اخیر، سود شناسایی کرده یا ریسک پرتفوی خود را کاهش دهند. در مقابل، صندوق‌های درآمد ثابت با ورود ۱۰،۰۶۳ میلیارد تومان نقدینگی مواجه شدند که بیانگر جابه‌جایی سرمایه از دارایی‌های پرریسک به ابزارهای کم‌ریسک‌تر است؛ رفتاری که معمولاً در مقاطع افزایش نااطمینانی مشاهده می‌شود.

در پایان معاملات، تنها ۸۱ نماد در محدوده مثبت بسته شدند، درحالی‌که ۷۴۳ نماد با افت قیمت به کار خود پایان دادند. این نسبت به‌خوبی گسترده‌ی فشار فروش در بازار را نشان می‌دهد. ارزش سفارش‌های خرید در سطح ۴ هزار و ۵۷۸ میلیارد تومان قرار داشت اما در مقابل، ارزش سفارش‌های فروش به ۱۴ هزار و ۸۴۴ میلیارد تومان رسید. این اختلاف چشمگیر حاکی از برتری محسوس عرضه بر تقاضا و شکل‌گیری صف‌های فروش سنگین در بسیاری از نمادهاست. همچنین تعداد صف‌های خرید تنها ۴۴ نماد بود، درحالی‌که ۶۶۹ نماد با صف فروش مواجه شدند که نشان می‌دهد ترس و شتاب برای خروج بر رفتار معامله‌گران غلبه کرده است.

با وجود همه این نشانه‌های منفی، بسیاری از تحلیلگران معتقدند، افت اخیر را نباید لزوماً به‌عنوان پایان روند صعودی تلقی کرد. بازار سهام پس از رشد پرشتاب دو تا سه ماه گذشته، به‌طور طبیعی نیازمند اصلاح قیمتی و زمانی بوده است تا بخشی از هیجان تخلیه شود و قیمت‌ها به تعادل برسند. هرچند این اصلاح برای سرمایه‌گذاران کوتاه‌مدت نگران‌کننده است اما می‌تواند زمینه را برای ورود خریداران جدید و سرمایه‌گذاران با دید میان‌مدت و بلندمدت فراهم کند. در عین حال، تداوم یا توقف این اصلاح به متغیرهای متعددی وابسته است؛ از جمله وضعیت نقدینگی، سیاست‌های اقتصادی، نرخ ارز، چشم‌انداز سودآوری شرکت‌ها و رفتار بازیگران بزرگ بازار. اگر اعتماد سرمایه‌گذاران مجدداً تقویت شود و جریان نقدینگی به بازار بازگردد، می‌توان انتظار داشت، روند صعودی پس از یک وقفه کوتاه از سر گرفته شود. با این حال در شرایط فعلی، توصیه کارشناسان به فعالان بازار، پرهیز از تصمیم‌های هیجانی و رصد دقیق معاملات روزهای آینده است چراکه جهت‌گیری کوتاه‌مدت بازار هنوز با ابهام همراه است.

پیوند فرسوده

رابطه مردم و سیاستمداران از چه زمانی یک‌طرفه شد؟

سعید خوش‌بین

گروه اقتصاد

وقتی منابع ته کشید و امکان توزیع رانت از میان رفت، شکاف پنهان میان سیاستمداران و جامعه آشکار شد. شکافی که سال‌ها زیر سایه قرارداد نانوشته وفاداری در برابر مواهب ارزان پنهان مانده بود. امروز با فروپاشی آن الگو، رابطه‌ای که زمانی بر مبادله استوار بود به تعاملی یک‌سویه تبدیل شده و پرسش اصلی این است که این پیوند فرسوده چگونه و با چه منطقی می‌تواند دوباره ترمیم شود؟

اعتراض‌های اخیر تا حد زیادی بازتاب فروپاشی همان قرارداد نانوشته میان نظام حکمرانی و جامعه است زیرا جامعه دیگر در برابر هزینه‌هایی که می‌پردازد، منفعت ملموسی دریافت نمی‌کند. وقتی رابطه از حالت مبادله‌ای خارج و یک‌سویه می‌شود، ناراضیاتی‌های انباشته شده به شکل اعتراض‌های اجتماعی بروز می‌کند. اقتصاددانان می‌گویند، رابطه میان نظام حکمرانی و جامعه زمانی دچار گسست جدی شد که موتور توزیع منابع از کار افتاد و دیگر چیزی برای بازتوزیع باقی نماند. آنچه امروز به شکل ناراضی‌نسی، بی‌اعتمادی و تنش اجتماعی دیده می‌شود، محصول یک تغییر ناگهانی نیست بلکه نتیجه فرسایش تدریجی قراردادی نانوشته است که دهه‌ها ستون فقرات تعامل میان مردم و نظام حکمرانی را شکل داده بود؛ قراردادی که با پایان منابع عملاً یک‌طرفه شد و اکنون نیازمند بازتعریف بنیادین است.

در اقتصاد و سیاست ایران، برای یک دوره نسبتاً طولانی نوعی قرارداد اجتماعی نانوشته میان مردم، گروه‌های ذی‌نفع و نظام حکمرانی برقرار بود. بر اساس این قرارداد، نظام حکمرانی با تکیه بر درآمدهای حاصل از منابع طبیعی و دارایی‌های عمومی، مجموعه‌ای از مواهب ارزان‌قیمت را در اختیار جامعه قرار می‌داد و در مقابل، فضای سیاسی و اجتماعی لازم برای پیگیری اهداف، سیاست‌ها و اولویت‌های خود را حفظ می‌کرد. این مواهب طیف گسترده‌ای را شامل می‌شد: از آب و خاک و انرژی گرفته تا نفت و گاز، برق یارانه‌ای، اعتبارات بانکی سهل‌الوصول، منابع بودجه عمومی، ظرفیت شرکت‌های دولتی، ارز ترجیحی و حتی کالاهایی که به‌طور غیرمستقیم از مسیر مداخلات سیاستی در بنگاه‌های خصوصی با قیمت پایین به دست مصرف‌کننده می‌رسید.

در یک سوی این رابطه، توزیع رانت و منابع ارزان قرار داشت و در سوی دیگر، پذیرش نوعی موازنه سیاسی و اجتماعی. جامعه، یا دست‌کم بخش‌هایی از آن، در برابر دسترسی به این منابع، هزینه‌های سیاسی و اقتصادی تصمیمات کلان را تا

دیدگاه: تحلیل اقتصادی

پیر کشور

عواقب کاهش مولید در ژاپن چیست؟

مهتا معرفت

گروه اقتصاد

تعداد تولد در ژاپن در سال ۲۰۲۵ به حدود ۶۷۰ هزار نوزاد کاهش یافته است؛ رقمی که نه‌تنها کمترین میزان ثبت شده از آغاز آمارگیری رسمی در سال ۱۸۹۹ به شمار می‌رود بلکه زنگ خطری جدی برای آینده جمعیتی این کشور محسوب می‌شود. این افت چشمگیر حتی از بدبینانه‌ترین برآوردهای دولت ژاپن نیز فراتر رفته و نشان می‌دهد، بحران جمعیتی این کشور با سرعتی بسیار بیشتر از آنچه تصور می‌شد در حال تشدید است.

بر اساس پیش‌بینی‌های رسمی که دولت ژاپن در سال ۲۰۲۳ منتشر کرده بود، انتظار می‌رفت تعداد تولدها در سال ۲۰۲۵ حدود ۷۴۹ هزار نوزاد باشد و کاهش آن به زیر سطح ۶۷۰ هزار نفر تا سال ۲۰۴۱ رخ ندهد. با این حال، واقعیت آماری

حدی تحمل می‌کرد. این الگو اگرچه از منظر توسعه پایدار و عدالت ساختاری قابل نقد بود، اما در عمل به ثبات نسبی رابطه میان حکومت و مردم کمک می‌کرد و نوعی تعادل شکننده اما کارکردی ایجاد شده بود. با این حال از حوالی سال ۱۳۹۰ به بعد، این تعادل به‌تدریج از میان رفت. کاهش درآمدهای نفتی، تشدید تحریم‌ها، رشد ناکارآمدی‌های ساختاری، افزایش هزینه‌های اداره کشور و انباشت تعهدات مالی باعث شد، توان نظام حکمرانی برای توزیع رانت و منابع ارزان به‌شدت محدود



طرح: فارس

شود. کفگیر به ته دیگ خورد و دیگر امکان ادامه الگوی پیشین وجود نداشت. در چنین شرایطی، جامعه در مقابل آنچه به بخش سیاسی داده بود، دیگر چیزی دریافت نکرد. نتیجه این وضعیت، تغییر ماهیت رابطه از یک تعامل دوطرفه نابرابر به یک رابطه یک‌سویه بود که در آن هزینه‌ها باقی ماند اما منافع حذف شد. امروز با یک واقعیت انکارناپذیر مواجه هستیم، اینکه رابطه قبلی میان حکومت و جامعه که بر مبنای توزیع منابع ارزان در برابر همراهی سیاسی شکل گرفته بود عملاً فروپاشیده است. نظام سیاسی دیگر رانتی برای پرداخت ندارد اما همچنان می‌کوشد اهداف، سیاست‌ها و انتظارات خود را بدون تغییر اساسی دنبال کند. این ناهمخوانی، منبع اصلی تنش‌های کنونی است. جامعه احساس می‌کند، وارد وضعیت رابطه یک

نشان داد این آستانه بحرانی دست‌کم ۱۶ سال زودتر شکسته شده است. این اختلاف قابل‌توجه میان پیش‌بینی و واقعیت بیانگر عمق مشکلات ساختاری در حوزه جمعیت، خانواده و بازار کار ژاپن است؛ مشکلاتی که سیاست‌های حمایتی سال‌های اخیر نتوانسته‌اند، آن‌ها را مهار کنند.

کاهش شدید نرخ تولد، آینده‌ای پیچیده و پرچالش را پیش روی ژاپن قرار داده است. این کشور هم‌اکنون یکی از پیرترین جمعیت‌های جهان را دارد و با ادامه این روند نسبت سالمندان به جمعیت فعال اقتصادی به‌سرعت افزایش خواهد یافت. چنین وضعیتی فشار فزاینده‌ای بر نظام بازنشستگی، بیمه‌های درمانی و بودجه عمومی وارد می‌کند و توان دولت برای تأمین هزینه‌های رفاهی را به‌شدت محدود خواهد کرد. در عین حال، کاهش جمعیت در سن کار به معنای کمبود نیروی انسانی، افت بهره‌وری و کاهش رشد اقتصادی در بلندمدت است. پیامدهای اجتماعی این بحران نیز کم‌اهمیت نیست. کوچک‌تر شدن خانوارها، افزایش تنهایی در میان

طرفه شده؛ یعنی نه‌تنها در رابطه با نظام حکمرانی چیزی به دست نمی‌آورد بلکه باید هزینه‌های بیشتری نیز بپردازد؛ از تورم مزمن و کاهش قدرت خرید گرفته تا نااطمینانی اقتصادی، محدودیت‌های اجتماعی و افق‌های مبهم آینده.

برای سال‌های طولانی، سیاستمداران با اتکا به وفور نسبی منابع، می‌توانستند ناکارآمدی‌ها، تعارض منافع و ضعف نهادها را با تزریق پول و یارانه پنهان کنند. اما بیش از یک دهه است که این ابزار از دست رفته و شکاف میان انتظارات جامعه و توان واقعی حکومت عیان شده است. با این وجود، نظام سیاسی همچنان از جامعه انتظار وفاداری، همراهی و تحمل دارد؛ انتظاری که بدون ارائه معادل اقتصادی، اجتماعی یا سیاسی، به‌طور طبیعی با مقاومت و بی‌اعتمادی مواجه می‌شود.

مسئله اصلی امروز نه صرفاً کمبود منابع بلکه عدم بازتعریف رابطه است. جامعه‌ای که سال‌ها بر اساس یک منطق مشخص رفتار کرده اکنون با تغییر قواعد بازی روبه‌رو شده بدون آنکه چارچوب جدیدی به‌روشنی ترسیم شده باشد. در چنین فضایی سردرگمی، خشم و بی‌اعتمادی تشدید می‌شود و شکاف میان حکومت و مردم عمق می‌گیرد. ادامه این وضعیت، نه‌تنها امکان ترمیم رابطه را دشوارتر می‌کند بلکه هزینه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آن را برای هر دو طرف افزایش می‌دهد. آیا سیاستمداران با درک این شرایط سخت، حاضر به تغییر پارادایم می‌شوند؟ به عقیده اقتصاددانان، ترمیم این رابطه یک‌سویه، پیش از هر چیز نیازمند پذیرش واقعیت‌های جدید است. نمی‌توان با ابزارهای گذشته، مسئله‌ای را حل کرد که ماهیت آن تغییر کرده است. زمانی که منابع فراوان بود، توزیع رانت می‌توانست جایگزین پاسخگویی، شفافیت و اصلاح نهادی شود اما در شرایط کم‌منبع، تنها سرمایه باقی‌مانده، اعتماد اجتماعی است؛ سرمایه‌ای که به‌سرعت فرسوده می‌شود و به‌سختی قابل بازسازی است. بدون تغییر

در شیوه حکمرانی، بازتعریف حقوق و تکالیف متقابل و ایجاد احساس مشارکت واقعی در تصمیم‌گیری‌ها، انتظار همراهی پایدار از جامعه، انتظاری غیرواقع‌بینانه است.

پرسش اصلی این است که نظام حکمرانی چگونه می‌خواهد این رابطه یک‌طرفه را به یک تعامل قابل دوام تبدیل کند. آیا می‌توان بدون منابع همان انتظارات گذشته را حفظ کرد؟ یا ناگزیر باید به سمت الگویی حرکت کرد که در آن به جای توزیع رانت بر کارآمدی، عدالت، شفافیت و مشارکت اجتماعی تکیه شود؟ پاسخ به این پرسش، تعیین‌کننده مسیر آینده رابطه حکومت و جامعه است؛ مسیری که اگر به‌درستی انتخاب نشود، هزینه‌های آن تنها متوجه یک طرف نخواهد بود بلکه کل جامعه را در بر خواهد گرفت.

سالمندان و کاهش پویایی اجتماعی از جمله نتایجی است که می‌تواند، انسجام اجتماعی را تضعیف کند. بسیاری از مناطق روستایی و شهرهای کوچک ژاپن پیش‌تر با پدیده خالی شدن از سکنه مواجه شده‌اند و ادامه روند فعلی می‌تواند به گسترش «شهرهای متروکه» منجر شود؛ مناطقی که نه نیروی کار کافی دارند و نه جمعیت جوان برای حفظ فعالیت‌های اقتصادی و خدماتی.

در سطح سیاست‌گذاری، این وضعیت دولت ژاپن را با انتخاب‌های دشواری روبه‌رو کرده است. افزایش حمایت‌های مالی از خانواده‌ها، بهبود شرایط اشتغال زنان، کاهش ساعات کاری فرساینده و ایجاد تعادل بهتر میان کار و زندگی از جمله اقداماتی است که سال‌هاست، مطرح می‌شود اما اثربخشی آن‌ها محدود بوده است. در کنار این گزینه‌ها، بحث افزایش مهاجرت نیز بیش از گذشته جدی شده هرچند جامعه ژاپن به‌طور سنتی رویکردی محتاطانه نسبت به پذیرش مهاجران دارد.

در مجموع، سقوط تاریخی تعداد تولدها نشان می‌دهد، ژاپن وارد مرحله‌ای تازه و حساس از تحولات جمعیتی شده است؛ مرحله‌ای که اگر با اصلاحات عمیق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی همراه نشود، می‌تواند جایگاه این کشور را به‌عنوان یکی از قدرت‌های اقتصادی و فناوریانه جهان در دهه‌های آینده با چالش جدی مواجه کند.

یارانه‌های از مرز گذشته

یارانه‌ها به جای حمایت از مردم کشور به جیب دلالان و کشورهای همسایه سرازیر می‌شوند



گروه اجتماعی: در میانه یکی از نشست‌های دیپلماتیک سران کشورهای حوزه قفقاز و آسیای میانه، وقتی سخن از الگوهای رفاهی به میان آمد، ولادیمیر پوتین جمله‌ای بر زبان راند که شاید گزنده‌ترین توصیف از ریخت‌وپاش‌های بی‌ثمر در اقتصاد سیاسی ایران باشد: «ایران، کمونیستی‌ترین کشور غیرکمونیستی جهان است». این گزاره که اخیراً سعید لیلاز، تحلیلگر ارشد اقتصادی، دوباره آن را در گفت‌وگو با خبرآنلاین بازخوانی کرده، نه یک ستایش از عدالت اجتماعی بلکه طعنی به یک سیستم یارانه‌ای است که در آن دولت میلیاردها دلار منابع را از جیب ملت خارج می‌کند اما در نهایت، این نه سفره کارگر ایرانی که جیب دلالان داخلی و شکم مصرف‌کنندگان در کشورهای همسایه است که با این منابع سیر می‌شود.

تخصیص ارز ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی تا رسیدن مرغ و گوشت به مغازه، شبکه‌ای از واسطه‌ها و شرکت‌های خصولتی، رانتی را می‌بلعند که قرار بود، تورم را مهار کند. گزارش‌های اخیر بانک مرکزی نیز بر این ادعا صحنه می‌گذارند. تخصیص بیش از ۷ میلیارد دلار ارز ترجیحی به بخش‌های کشاورزی و سلامت، درحالی که قیمت کالاهای نهایی در بازار با نرخ ارز آزاد پهلوی می‌زند، نشان‌دهنده آن است که «اقتصاد دستوری» در ایران تنها به تولید رانت برای حلقه‌های خاص منجر شده است. تمرکز ۱۹ درصد کل ارز ترجیحی در دست تنها یک هلدینگ خاص، گویای آن است که یارانه‌ها به جای آنکه چتری برای فرودستان باشند، نردبانی برای ثروتمندتر شدن اقلیت برخوردار شده‌اند.

۳۰ میلیون لیتر سوخت از مرزها خارج می‌شود، یعنی ما نه کالای مازاد بلکه «فرصت توسعه» ملی را قاچاق می‌کنیم. بنزین و گازوئیلی که با مالیات و ثروت ملی ایران تولید شده در باک خودروهایی می‌سوزد که کیلومترها دورتر از مرزهای ما در حال حرکت هستند. این همان نقطه‌عطفی است که پوتین به آن اشاره داشت؛ سیستمی که مدعی سوسیالیسم و حمایت از توده است، اما در عمل، ناتوان‌ترین سیستم در «اصابت به هدف» را داراست.

وداع تلخ یا جراحی ناشیانه؟

سخنان اخیر مسعود پزشکیان در آذرماه نشان از نوعی بن‌بست در تداوم این مسیر دارد. رئیس‌جمهور با این پرسش که «چرا باید روشی را ادامه دهیم که نتیجه‌اش قیمت برابر با بازار آزاد است؟» عملاً سیگنال پایان دوران ارز ترجیحی را صادر کرده است. اما پرسش اساسی اینجاست: آیا زیرساخت‌های جایگزین مانند کالابزرگ الکترونیکی، توان جبران شوک‌های قیمتی را دارند؟ دولت در حالی از طرح‌های حمایتی جدید برای دهک‌های اول تا سوم سخن می‌گوید که تورم مزمن، قدرت

سفره‌ای به وسعت همسایگان

بخش دیگری از تحلیل لیلاز که با آمارهای نمایندگان مجلس و فعالان اتاق بازرگانی همپوشانی دارد به «نشست مرزی» یارانه‌ها بازمی‌گردد. ادعای بهره‌مندی ۱۵ میلیون نفر از ساکنان کشورهای همسایه از یارانه‌های ایران، تکان‌دهنده است. ما با پدیده‌ای مواجهیم که در آن دولت ایران، ناخواسته و از طریق قاچاق سازمان‌یافته، بار رفاهی بخشی از جمعیت کشورهای اطراف را به دوش می‌کشد. وقتی روزانه بین ۲۰ تا

۷۰ درصد در مسیر «کم» می‌شود

لیلاز با استناد به آمارهایی که به نقل از رؤسای کل بانک مرکزی بیان می‌کند، پرده از واقعیتی عجیب برمی‌دارد: ۷۰ درصد یارانه‌های دولتی هرگز به مقصد نمی‌رسند. این عدد تنها یک رقم ریاضی نیست؛ این تصویر فروپاشی بهره‌وری در کشوری است که سالانه بین ۸۰ تا ۱۰۰ میلیارد دلار یارانه انرژی پرداخت می‌کند. وقتی از نرسیدن یارانه به مصرف‌کننده نهایی سخن می‌گوییم، یعنی در زنجیره

شهر

دو وزیر رئیسی به زندان می‌روند

جزئیات نشست خبری سخنگوی قوه قضائیه؛ از ضرب‌الاجل برای وزرا تا مصادره دارایی‌های ۵ همتی



فائزه مومنی

گروه اجتماعی

اصغر جهانگیر، سخنگوی دستگاه قضا دیروز درحالی پشت تریبون قرار گرفت که پرونده‌های موسوم به «فساد دانه‌درشت‌ها» به مرحله حساسی از اجرای حکم یا صدور کیفرخواست رسیده است. او سخنان خود را با خبری تکان‌دهنده آغاز کرد که مستقیماً بدنه اجرایی سابق کشور را هدف قرار می‌داد: احضار دو وزیر دولت سیزدهم در پرونده «چای دیش». سخنگوی قوه قضائیه با اعلام اینکه برای رضا فاطمی‌امین، وزیر سابق صمت و سیدجواد ساداتی‌نژاد، وزیر سابق جهاد کشاورزی، احضاریه صادر شده است، تأکید کرد که آنها موظفند ظرف ۵ روز خود را معرفی کنند؛ در غیر این صورت، قانون مسیر جلب را پیش خواهد گرفت. این خبر در واقع پرده آخر از ترازدی‌ای بود که از اواخر پاییز ۱۴۰۲ با گزارش‌های سازمان بازرسی کل کشور کلید خورده بود.

پیشینه پرونده چای دیش به رانتی بازمی‌گردد که به لحاظ ابعاد ارزی در تاریخ ایران بی‌سابقه توصیف شده است. ماجرا از آنجا آغاز شد که مشخص شد

یک گروه تجاری بین سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۱ رقمی معادل ۳ میلیارد و ۳۷۰ میلیون دلار ارز نیمایی دریافت کرده که بخش عمده آن در زمان وزارت این دو مقام مسئول بوده است. گزارش‌ها حاکی از آن بود که این مجموعه نهتنها ۷۹ درصد ارز نیمایی تخصیص‌یافته برای واردات چای را در انحصار خود گرفته بود بلکه با ترفندهایی نظیر واردات چای بی‌کیفیت به جای چای مرغوب و حتی بازگرداندن چای صادراتی ایران به نام کالای خارجی، نظام ارزی را دور زده است. ساداتی‌نژاد که پیش از این هم در ماجرای «نهادهای دامی» با حواشی جدی روبه‌رو بود حالا به همراه فاطمی‌امین در وضعیتی قرار گرفته که دستگاه قضا، اتهامات آنها را فراتر از ترک فعل و در لایه معاونت در اخلال عمده ارزی بررسی کرده است. طبق گفته جهانگیر، اکنون ۱۳ نفر از ۲۰ محکوم این پرونده در زندان هستند و پرونده با فراخوان این دو وزیر، وارد فاز نهایی خود شده است.

نفوذ در تاریک‌خانه؛ روایت اموال ۵ همتی

اما محور دوم سخنان جهانگیر که ابعاد تازه‌ای از فساد در لایه‌های درونی را افشا کرد، به پرونده فرزندان محمد مصدق کهنمونی، معاون اول سابق قوه قضائیه اختصاص داشت. سخنگوی دستگاه قضا در پاسخ به سوالی درباره آخرین وضعیت اجرای حکم این پرونده، خبر از ضبط کامل اموالی داد که ارزش آنها حدود ۵ هزار میلیارد تومان (۵ همت) برآورد شده است. جهانگیر اشاره کرد که این دارایی‌ها اکنون در اختیار سازمان اموال تملیکی قرار گرفته و شامل اموال تمامی ۱۶ محکوم این پرونده است اما بخش بزرگی از آن به دارایی‌های فرزندان این مقام سابق قضایی بازمی‌گردد. این



اعلام رسمی در واقع مهر تأییدی بر گزارش‌هایی بود که از مهرماه ۱۴۰۲ با بازداشت امیرحسین و محمدصادق مصدق کهنمویی آغاز شده و در نهایت به استعفاي پدرشان در اسفند همان سال منجر گشت. بررسی پیشینه این پرونده نشان می‌دهد که اتهامات مطرح شده علیه پسران مصدق، فراتر از یک کلاهبرداری ساده بوده است. آنها متهم به تشکیل یک شبکه اعمال نفوذ برخلاف حق در پرونده‌های کلان قضایی بودند. از پرونده گروه صنعتی «رستمی‌صفا» با بدهی‌های نجومی‌اش تا پرونده شرکت کنتورسازی، نام این دو برادر به‌عنوان واسطه‌هایی که در ازای دریافت رشوه‌های سنگین، روند دادرسی را تغییر می‌دادند، مطرح بود. حجم مستندات این پرونده به قدری وسیع بود که گفته می‌شود در ۷۲ جلد و ۱۴ هزار برگ تنظیم شده است. اموال ضبط شده‌ای که جهانگیر از آنها سخن گفت شامل فهرستی خیره‌کننده از خودروهای لوکس مازراتی و پورشه، زمین‌های وسیع در مناطقی نظیر

پلور و ورامین، صدها سکه طلا و مبالغ کلان ارزی است. امیرحسین مصدق به بیش از ۱۷ سال و برادرش به ۸ سال حبس محکوم شده‌اند و حالا با انتقال دارایی‌هایشان به دولت یکی از جنجالی‌ترین پرونده‌های موسوم به «آقازادگی قضایی» در مرحله ردمال قرار گرفته است.

از گلستان ازگل تا راهروهای دادسرا

بخش دیگری از نشست خبری نهم دی ماه که نگاه بسیاری از رسانه‌ها را به‌خود جلب کرد، مربوط به پرونده فرزندان کاظم صدیقی، امام‌جمعه سابق تهران و رئیس ستاد امر به معروف بود. جهانگیر با اعلام اینکه کیفرخواست این متهمان صادر شده است، خبر داد که پرونده طی هفته آینده از دادسرا به دادگاه ارسال خواهد شد تا رسیدگی نهایی آغاز شود. وی همچنین به این نکته اشاره کرد که یکی از متهمان که پیش‌تر با وثیقه آزاد بود به دلیل تشدید قرار بازداشت شده است. این پرونده که با عنوان «باغ ازگل» در رسانه‌ها شناخته می‌شود از اسفند ۱۴۰۲ و با افشاکاری‌های پیرامون واگذاری یک باغ ۴۲۰۰ متری در منطقه ازگل تهران به شرکی خانوادگی به نام «پیروان اندیشه‌های قائم» بر سر زبان‌ها افتاد. پیشینه این ماجرا به سندی بازمی‌گردد که نشان می‌داد، ملکی متعلق به حوزه علمیه امام خمینی تحت مدیریت کاظم صدیقی با قیمتی بسیار ناچیز (حدود ۶.۵ میلیارد تومان) به شرکت شخصی او و پسرانش منتقل شده است، درحالی که ارزش واقعی آن ملک بیش از هزار میلیارد تومان برآورد می‌شد. این افشاکاری موجی از واکنش‌ها را برانگیخت که در نهایت منجر به عذرخواهی ویدئویی صدیقی سپس استعفاي او در مردادماه امسال شد. اتهامات مطرح شده در کیفرخواستی که جهانگیر به آن اشاره کرد شامل مشارکت در کلاهبرداری و ادعای اعمال نفوذ است. همچنین در این مسیر مرگ محمد مهدی صدیقی، یکی از فرزندان متهم در آبان ماه حواشی پرونده را دوچندان کرد. سخنگوی قوه قضائیه در بخش پایانی نشست خبری خود به پرونده‌های دیگری نظیر بدهی بابک زنجانی نیز گریز زد و تأکید کرد که مهلت دو ماهه او برای تسویه نهایی هنوز به پایان نرسیده و حدود ۱۰ روز دیگر زمان باقی است. او با اشاره به ردمال‌های انجام شده شامل فلزات گرانبها و مبالغ ارزی، یادآور شد که همین اقدامات باعث تخفیف در مجازات اعدام وی شده است.

گزارش ویژه

رکورد پتروشیمی خلیج فارس

۱۰ شرکت تولیدی تابعه هلدینگ خلیج فارس بیش از سال گذشته تولید کردند



مدیرعامل شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس از شکسته شدن رکورد فروش و تولید در این شرکت خبر داد. به گزارش روابطعمومی شرکت صنایع

پتروشیمی خلیج فارس، محمد شریعتمداری با بیان اینکه افزایش تولید، سودآوری، تکمیل طرح‌های دارای اولویت هلدینگ از اولویت‌های شرکت پتروشیمی خلیج فارس محسوب می‌شود از تحقق ۱۰۳.۳ درصد تولید محصول و ۱۰۵.۷ درصد فروش و ثبت یک رکورد عملکردی این هلدینگ در طول فعالیت‌اش، خبر داد. وی تصریح کرد: با وجود اینکه کشور با جنگ ۱۲ روزه تحمیلی از سوی دشمن صهیونی و آمریکا مواجه شد و این جنگ، تبعاتی هم برای صنعت پتروشیمی داشت؛ اما به همت همه همکارانم، افزایش تولید و فروش را شاهد بودیم. مدیرعامل شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس ادامه داد: همان‌طور که در مجمع عمومی سالیانه هم به سهامداران عزیز اعلام کردم با شجاعت جلوی تولید با ضرر را می‌گیریم؛ این سیاست را در همین چند ماه هم پیاده کردیم، الحمدلله نزد سهامداران روسفید شدیم و نهتنها تولید کاهش پیدا نکرد که شاهد افزایش تولید هم بودیم. به گفته شریعتمداری، عملکرد تولید شرکت پتروشیمی خوزستان در ۹ ماه ابتدای امسال نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۲۱۸ درصد، شرکت پتروشیمی هنگام ۱۳۷ درصد، شرکت پتروشیمی ایلام ۱۱۷ درصد، شرکت پتروشیمی کارون ۱۱۶ درصد، شرکت پالایش گاز هویه خلیج فارس ۱۱۴ درصد، شرکت کوره شیمیایی اوره لردگان ۱۱۱ درصد، شرکت پتروشیمی نوری ۱۰۸ درصد، شرکت پتروشیمی بندر امام ۱۰۷ درصد، شرکت پتروشیمی اروند ۱۰۷ درصد و شرکت پتروشیمی گچساران ۱۰۵ درصد عملکرد تولید داشتند. مدیرعامل گروه صنایع پتروشیمی خلیج فارس یادآور شد: رکورد تولید ۱۰۰ درصد ظرفیت اسمی برای اولین بار در شرکت پتروشیمی هنگام و در آستانه راه‌اندازی واحد اوره ثبت شد؛ همچنین در این مدت راه‌اندازی و تولید شرکت ارغوان‌گستر ایلام به‌عنوان تنها تولیدکننده پلی‌پروپیلن گروه صنایع پتروشیمی خلیج فارس به همت همه کارگران، مهندسان، کارشناسان و مدیران را شاهد بودیم.

